

نبرد زن

نشریه

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

حوت ۱۳۹۲ (MARCH 2015)

شماره (۲۵)

دور اول

ویژه ۸ مارچ

"خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنیم!"

یکی از بهانه های فریب کارانه امپریالیست های امریکائی وانگلیسی برای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، از بین بردن شئوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان بود... علاوه تا ادعای مذکور به خاطری یک بهانه فریبکارانه بود که آنها به جای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست نشاندۀ ای راروی کارآوردند که نیروها و شخصیت های مرد سالار شونیزم، بخش اعظم ترکیب آترتاشکیل داده اند. بیش این نیروها و شخصیت های ارتجاعی و اساس سیاست های شان، صرف نظر از تفاوت های جزئی، در واقع همان بینش و سیاست های طالبان است. به همین جهت با اشغال افغانستان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین شان و روی کار آمدن رژیم دست نشاندۀ آنها، مسئله زنان به مثابه گروگانی در دست اشغالگران و رژیم پوشالی برای توجیه اشغال کشور و خیانت ملی مورد استفاده قرار گرفت، بدون اینکه کدام تفاوت اساسی در وضعیت توده های وسیع زنان بوجود آمده باشد.

البته هویداست که یک قشر کوچک زنان خیانت پیشه، توسط اشغالگران و رژیم پوشالی پرورانده شده و بصورت نمایشی بروی صحنه آورده شده است تا زن ستیزی بنیادگرایان حاکم در رژیم دست نشاندۀ را پوشاند و سندی گردد برای ثبوت ادعاهای فریبکارانه تامین حقوق زنان. افراد شامل در این قشر کوچک پرورانده شده توسط اشغالگران و رژیم دست نشاندۀ، نه تنها به وزارت و وکالت رسانده شده اند، بلکه به مثابه سرمایه داران دلال تازه به دوران رسیده به بازار راه یافتند.

اما در مقابل این قشر کوچک دست پرورده، توده های وسیع زنان قرار دارند که وضع شان بادوره امارت اسلامی طالبان کدام فرق اساسی نکرده است... جنبش زنان یک جنبش مبارزاتی حق طلبانه و عادلانه ضد شئوونیزمی و ضد ستم است و نباید اجازه داد به مثابه گروگانی توسط اشغالگران و خائنین ملی مورد سوی استفاده قرار گیرد... اکیدا باید خاطر نشان سازیم که این جنبش مبارزاتی ولواینکه نهایتا در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده یعنی مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی، پیش برده شود، اما در هر حال یکی از مبارزات مهم در سطح کل جامعه بوده و هرگز نباید به فراموشی سپرده شود و هرگز نباید به عنوان یک وظیفه مبارزاتی حاشیه یی در نظر گرفته شود.

مقالات مندرج این شماره شامل سه محفل ذیل است: صفحه

۲

گزارشات مختصر محافل

محفل اول:

افتتاحیه

نبود جنبش زنان و ضرورت ایجاد آن (متن سخنرانی)

وضعیت اسفبار امروزی زنان افغانستان و مسئولیت مبارزاتی ما

دلته پنځه اوسیدل گناه ده

اشعار خوانده شده در محفل

قطعه نامه مشترک محافل تجلیلیه روز جهانی زن

محفل دوم:

افتتاحیه

گزارشات (ترنم طنین)

ضرورت پیشبرد مبارزات استوار و پیگیر (مرسل)

سرود قرن (دکلمه خانم جمشیدی)

رهروان راه علم (پارچه آهنگ زیبایی از انیل)

فقط با پیشبرد مبارزات مبتنی بر اراده و عزم متین میتوان ... (صدف)

بنام نامی مردم (دکلمه «م»)

متن کامل سخنرانی تهمینه وفا

دنیاست ... (پارچه آهنگ زیبایی از «انیل»)

اشعار خوانده شده در محفل (ترنم طنین)

قطعه نامه مشترک محافل تجلیلیه روز جهانی زن (آیدا دانش)

گزارش مختصری از

تدویر محافل هشتم مارچ روز جهانی زن در نقاط مختلف کشور

دسته هشت مارچ زنان افغانستان از هشتم مارچ روز جهانی زن، با برگزاری محافل مختلف در نقاط مختلف کشور، تجلیل به عمل آورد. ذیلاً گزارشات مختصر این محافل تقدیم می گردد:

محفل اول:

دسته هشت مارچ زنان افغانستان، از هشتم مارچ روز جهانی زن به تاریخ ۶ مارچ ۲۰۱۵ در ... طی محفل باشکوه بزرگداشت به عمل آورد. چون هشت مارچ مصادف بود به روز یکشنبه و این روز رخصتی نیست و روز رسمی کاری می باشد، محفل دو روز قبل از آن در روز جمعه، که روز رخصتی عمومی است، دایر گردید.

درین محفل به تعداد زیادی از زنان، دختران و پسران جوان شرکت کردند. استقبال از برنامه بی مانند بود که حتا به نسبت پر شدن چوکی ها و نبود جای، بسیاری ها با حالت ایستاده محفل را تا آخر همراهی نمودند. داشته های ارائه شده در محفل، برای همه اشتراک کنندگان جالب، دلچسب و رهایی بخش بود. برنامه بیش از دو ساعت دوام نمود. زمانی که گرداننده برنامه ختم محفل را اعلان نمود، شرکت کنندگان علاقه به ختم برنامه نداشتند و توقع داشتند تا محفل بیش از این دوام یابد. درین محفل مقاله ها و اشعار انقلابی به زبان های دری و پشتو خوانده شد، یک سخنرانی به زبان دری ایراد گردید، یک ترانه دری توسط دو دختر خورد سال و همچنان نمایشات ورزشی بوسیله دختران خورد سال اجرا گردید که مورد استقبال و توجه اشتراک کنندگان قرار گرفت.

محفل دوم:

محفل تجلیل از هشت مارچ روز جهانی زن در روز جمعه ششم مارچ در یکی از سالون های شهر ... برگزار گردید. در بیرون سالون، در مقابل زینه های ورودی شعار "روز جهانی زن بر تمامی زنان جهان مبارکباد" نصب گردیده بود. این شعار احساس تازه ای برای هر فردی که داخل تالار می شد می داد. داخل سالون نیز با شعارهای انقلابی مزین گردیده بود و موزیک نرم و آرام با ترانه های میهنی و انقلابی گوش ها را نوازش می داد. در این محفل حدود ۱۳۰ نفر از زنان و مردان مبارز شرکت نموده بودند. محفل به ساعت تقریباً سه بعد از ظهر با خواندن افتتاحیه، توسط یکی از زنان دسته هشت مارچ زنان افغانستان، آغاز گردید.



افتتاحیه با صراحت تام اشغالگری امپریالیست ها و امضای پیمان امنیتی میان رژیم دست نشانده و اشغالگران امریکایی را به شدت تقبیح نمود. افتتاحیه صراحت داشت که:

« برگزاری چنین محافلی نشان میدهد که حق نمی تواند یک تحفه هدایی از طرف امپریالیست ها باشد، بلکه باید با زور از حلقوم شان بیرون کشیده شود.»

به تعقیب آن یکی از دختران پر شور مبارز و انقلابی گردانندگی محفل را در دست گرفت و تا آخر محفل با صحبت ها و اشعار پر شور و انقلابی توانست محفل را بخوبی گرم نگه دارد. چند تن دیگر از دختران پرشور و انقلابی با خواندن اشعار و مقالات انقلابی به گرمی محفل افزودند. یکی از دختران انقلابی سخنرانی ای

داشت که بیش از بیست دقیقه را در بر گرفت. این سخنران وضعیت زنان را از دوره نهضت امانی تا رژیم دست نشانده کنونی بطور دقیق و همه جانبه مورد بررسی و تحلیل قرار داد که با کف زدن های ممتد حاضرین در تالار بدرقه گردید. جالبتر از همه این بود که یک تن از زنان شجاع، از یکی از ولسوالی های دور دست ولایت ... به نمایندگی زنان آن ولسوالی برای شرکت در محفل آمده بود و قطعه شعری را نیز دکلمه نمود. دو پارچه آهنگی که توسط یکی از دختران دسته هشت مارچ زنان افغانستان اجرا گردید، رنگ و بوی دیگری به محفل بخشید.

در اخیر محفل قطعنامه مشترک محافل تجلیلیه روز جهانی زن توسط یکی از زنان انقلابی دسته هشت مارچ زنان افغانستان به خوانش گرفته شد که با کف زدن های ممتد بدرقه گردید. قطعنامه، انتخابات ریاست جمهوری رژیم را ناکام ترین انتخابات در تاریخ انتخابات کل کشورهای جهان خواند و رژیم دست نشانده کنونی را نا کار آمد تر از رژیم دست نشانده گذشته دانست. همچنین در این قطعنامه صلح خواهی رژیم پوشالی با طالبان یک صلح خواهی فریبنده و کرنش مزدور منشانه رژیم دست نشانده در مقابل دولت مداخله گر پاکستان اعلام گردید. قطعنامه مشترک محافل تجلیلیه روز جهانی زن، اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی را دشمن عمده توده های ستمدیده افغانستان اعلام نمود و این نکته را خاطر نشان ساخت که اگر طالبان دیر یا زود از مقاومت در برابر اشغالگران و رژیم پوشالی دست بکشند و به بخشی از رژیم دست نشانده بدل شوند، آنها نیز به بخشی از دشمن عمده کشور و مردمان کشور و بخصوص زنان تبدیل می گردند.

در قطعنامه مشترک ... به رژیم پوشالی و طالبان هشدار داده شد که:

« ما اعلام می کنیم که اگر طالبان با پذیرش قرار داد امنیتی رژیم دست نشانده با اشغالگران امریکایی و در نتیجه با دست کشیدن از مقاومت علیه اشغالگران، به بخشی از این رژیم تبدیل گردند و رژیم بخواهد یکبار دیگر دسته های قرون وسطایی سرکوبگر زنان را فعال سازد، باید لشکری از ملالی ها و ناهید ها را در مقابل خود ببیند.»

اجرای برنامه محفل تماماً توسط زنان و دختران دسته هشت مارچ زنان افغانستان صورت گرفت و مجموعاً ۹ نفر از زنان و دختران جوان در اجرای برنامه سهم گرفتند. محفل دقیقی پس از ساعت ۵ عصر با کف زدن های ممتد حضار خاتمه یافت.

محفل سوم:

هشت مارچ روز جهانی زن همه ساله توسط دسته هشت مارچ زنان افغانستان در ... تجلیل می گردد و امسال نیز به روز یکشنبه مورخ ۸ مارچ تجلیل گردید. جلسه مدت یک و نیم ساعت دوام کرد. به تعداد ۶۵ نفر در جلسه شرکت کرده بودند. اکثریت شرکت کنندگان را زنان و دختران جوان تشکیل می داد ولی تعداد محدودی از مردان نیز در جلسه حضور داشتند. جلسه ساعت دو بعد از ظهر یکشنبه مورخ هشت مارچ شروع و ساعت سه و سی دقیقه خاتمه یافت. برنامه جلسه شامل سه مقاله، دو قطعه شهر، یک ترانه و قطعنامه مشترک محافل بود و در آخر نمایش ورزشی توسط دختران خورد سال اجرا شد.

جلسه امسال عمدتاً روی عقد قرار داد امنیتی رژیم با دولت امپریالیستی امریکا تمرکز یافته بود. بحث ها برای شرکت کنندگان خیلی جالب بود، زیرا بعضی از شرکت کنندگان محفل برای اولین بار این گونه بحث ها را می شنیدند.

روز جهانی زن توسط "ریاست امور زنان" رژیم در ولایت نیز بصورت نمایشی تجلیل میگردد و برای شرکت کنندگان تحایفی داده می شود. در جلسه دسته هشت مارچ زنان افغانستان به این نکته اشاره شد که روز هشت مارچ روز تحفه دادن و تحفه گرفتن نیست، بلکه روز تجدید عهد برای پیشبرد مبارزات حق طلبانه زنان است.

در آخر جلسه تعدادی از زنان خواستار همکاری با دسته هشت مارچ زنان افغانستان گردیدند و این خواست شان مورد استقبال قرار گرفت.

افتتاحیه

تشریفاتی در کارهای خانه از سوی مردان، صرف در خدمت تداوم سلطهٔ مردانه تمام می شود و یا به عباره ی دیگر نقش مبارزاتی این روز نادیده گرفته می شود و تنها با رویکردهای تشریفاتی و انحرافی تلاش می شود تا نقش این روز کمر رنگ شود.

پس گرامیداشت از هشتم مارچ، ارج گذاری به مبارزات زنان آزادیخواه جهان از خیابان های امریکا و اروپا گرفته تا کشت زارهای برنج و گندم در افغانستان و کشور های شرق آسیا است. از این رو امروز ما اینجا جمع شده ایم تا یکبار دیگر با قدردانی از مبارزات زنان رنج دیده در سراسر جهان و بخصوص در افغانستان، توان مبارزاتی خویش را با هم گره بزنیم و همه یک مشت با تمام توان علیه ستم بر زن به مبارزهٔ همه جانبه بپردازیم. تجلیل از هشت مارچ باید پتک محکم بر دهان متجاوزان و کسانی باشد که حقوق زن را وسیله ی برای کسب درآمد و شهرت خود ساخته و برخورد پرورده یی با آن دارد. از این رو حضور همه ی تان را در محفل امروزی خیر مقدم گفته و آرزمندیم که تا آخر محفل با ما باشید.

همایش امروزی از سوی دستهٔ هشت مارچ زنان افغانستان تدارک دیده شده است. دستهٔ هشت مارچ زنان افغانستان که از درون زنان رنج دیده افغانستانی با داشتن برنامه مبارزاتی مدون بیش از یک و نیم دهه است که علیه ستم بر زنان مبارزه میکند. از این رو ما همه ی زنان آگاه را برای پیوستن به این جریان دعوت میکنیم.

محفل کنونی یکی از چندین برنامه ی است که همه ساله توسط دسته در نقاط مختلف داخل و خارج از کشور برگزار میگردد. امیدواریم محفل امروزی ما نیز بتواند گوشه ای از درد های زنان کشور را بازتاب دهد و راه حل برای بیرون رفت از این چالش ها را برای زنان بازگو نماید. برای بیان این مهم، داشته های برنامه ی ما شامل سخنرانی، مقاله، شعر خوانی و نمایشات رزمی خواهد بود.

یک بار دیگر هشتم مارچ روز جهانی زن فرا رسید. هشتم مارچ در حالی فرا می رسد که خشونت ها و تجاوزات علیه زنان در سایهٔ نیروهای اشغالگر و رژیم پوشالی شدت یافته و به اوج خود رسیده است. شدت این جنایات علیه زنان آنقدر وحشت انگیز و ددمنشانه است که حتا نمیتوان آن را شرح داد. از آنجایی که زنان ستم مضاعف و بیشتر را در زندگی تحمل میکنند، بناءً پتانسیل مبارزاتی بیشتر در آنها نهفته است. تنها با بسیج این نیروی عظیم مبارزاتی است که میتوان دیو ستم را به چالش کشید و آن را به سوی نابودی سوق داد.

در افغانستان، زنان دشواری های زیادی را تحمل می کنند. با حضور نیروهای اشغالگر نه تنها هیچ تغییر مثبتی در زندگی زنان افغانستان رونما نگردیده بلکه زنجیرهای ستم بیشتر از پیش جسم و روح شان را می آزارد. امروز زن افغانستانی در کنار ستم شوونیستی و ستم طبقاتی، ستم امپریالیستی را نیز متحمل می شود. بدون شک تداوم ستم شوونیستی و ستم طبقاتی بر زنان در پیوند مستحکم و تنگاتنگ با ستم امپریالیستی قرار دارد. امپریالیست های اشغالگر و در راس آنها امریکا، حامیان ستم بر زنان هستند و آنها با تجاوز بر کشور ما، ستمگری شان را در تمام ابعاد بر توده های محروم و به ویژه زنان افغانستانی تشدید بخشیده اند. از این رو زنان افغانستان، تنها با درک این وضعیت و بلند بردن آگاهی سیاسی خویش میتوانند در کنار مردان مترقی و آزادیخواه برای نابودی ستم امپریالیستی، ستم شوونیستی و ستم طبقاتی بسیج شوند. هشتم مارچ، روزیست که زنان در سراسر جهان علیه این ستم ها بسیج می شوند و تجدید پیمان می بندند.

هشتم مارچ روز تحفه دهی نیست. تاریخچه این روز مملو از جانبازی و جانفشانی زنان مبارز است. یعنی هشتم مارچ با مبارزات پیگیر و نفس گیر زنان بدست آمده است؛ بناءً تحفه دهی درین روز به زنان، و یا کمک

نبود جنبش زنان و ضرورت ایجاد آن

داد، این است: در جامعه ای که مناسبات بر مبنای ارزش پولی استوار می باشد، کار زن نیز بر این پایه سنجیده می شود و غالباً دارای ارزش نیست، چون قابل مبادله نمی باشد. بر این مبنا است که کار زن بی اهمیت تلقی می شود و همسان با آن فرودستی اجتماعی برای وی به بار می آورد. زنان بیش از نصف جمعیت جهان را شکل می دهند، اما یک چهارم کار قابل محاسبه کل جهان را انجام می دهند. این پدیده منجر می گردد که زنان نقش کمتر در تولیدات اقتصادی و مناسبات اجتماعی داشته باشند و متناسب با آن از جایگاه پایینتر در سطح اجتماع برخوردار میگردند. دشمن اصلی ای که از ستم بر زن و نابرابری او با مرد حمایت می کند، همانا در سطح جهان نظام سرمایه داری امپریالیستی است. نظام سرمایه داری امپریالیستی به هر نحو ممکن در پی استثمار کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان است و از این طریق به افزایش سرمایه اش می پردازد.

- ۴۸ درصد از دارایی های جهان در سال ۲۰۱۴ در اختیار ۱ درصد جمعیت جهان بود.

- ۵۴ درصد ثروت جهان در سال ۲۰۲۰ در اختیار ۱ درصد جمعیت جهان خواهد بود.

بدین ترتیب فاصله فقیر و غنی روز به روز در جهان افزایش می یابد و نظام سرمایه داری امپریالیستی با خون و عرق کارگران و زحمتکشان جهان فربه تر می شود. در این میان زن تحت استثمار مضاعف قرار می گیرد. از طرف دیگر، زمانی که وظیفه زن در ذهنیت عمومی را، تولید مثل، بودن و کارکردن در چارچوب خانه مثل مراقبت و نگهداری از کودکان، پخت و پز، شست و شو و زمینه سازی محیط آرام برای مردان خانواده تشکیل میدهد، بناءً کار زنان خصلت تولیدی و کالایی ندارد و این امر در مناسبات تولید کالایی نظام سرمایه داری اهمیت نیست و تنها میتواند نقشی در انباشت سرمایه داشته باشد. از آنجاییکه استثمار و بهره کشی جزء ماهیت نظام سرمایه داری می باشد و برای برآورده شدن این مهم در امر تولید ثروت، زنان را نیز به بازار کار می کشاند، چون کار زن دارای مزد کم

با وجود سابقه نسبتاً طولانی احزاب سیاسی در افغانستان، اما ایجاد جنبش های اجتماعی - سیاسی تاریخ طولانی در کشور ما ندارد. از جمله جریان هایی که در طول نیم قرن گذشته شکل گرفته است، جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) تنها جریان دموکراتیک و پر نفوذ در میان جامعه چند ملیتی افغانستان بوده است. این جریان پوتانشیل بسیج تظاهرات وسیع صدها هزار نفری در سطح شهرهای بزرگ کشور را داشت. با وجود نقش فعال و گسترده زنان در صفوف تظاهرات شعله ای ها، اما متأسفانه سازمان زنان، به عنوان بخشی از یک جنبش سیاسی در این جریان شکل نگرفت. عدم سازماندهی زنان در جنبش دموکراتیک نوین، یکی از مهم ترین انتقادات وارده بر این جنبش است. از آنجایی که پیروی کور کورانه، از خصایص یک جنبش دموکراتیک نیست، بناءً ما باید به گذشته به دید انتقادی بنگریم و در تلاش رفع نقایص گذشته باشیم.

متأسفانه امروز پس از گذشت نزدیک به ۵۰ سال از عمر جریان شعله جاوید، هنوز این نقیصه پا برجاست و بدتر این که برخی از رفقای چپی ما هنوز مساله رهایی زنان را، یک مساله پیش پا افتاده دانسته و تاکید می کنند که با شکست نظام استثمارگرانه حاکم و پیروزی کارگران، رهایی زنان به گونه خود به خودی صورت خواهد گرفت.

می خواهم بحثم را با طرح این پرسش ها ادامه دهم؛ چرا زن جنس نابرابر و تابع مرد است؟ چرا زن در اشعار، فرهنگ و ادبیات تحقیر می شود؟ چرا زن گناهکارترین موجود همه مذاهب است؟ چرا زن به بهانه ازدواج، میان مردان خرید و فروش می شوند؟ چرا ستم بر زن توجیه می شود؟ چرا در بیشتر جوامع زن بی فرزند تقریباً ارج و منزلتی ندارد؟ چرا خشونت مردان علیه زنان بیشتر از سرطان و جنگ از میان زنان ۱۵ تا ۴۴ سال تلفات می گیرد؟ چرا زنان دو سوم کار جهان را انجام می دهند، اما صاحب ۱۰ درصد در آمد و یک درصد ابزار تولید هستند؟ با همه این مسایل چرا هنوز کارگر "مرد" انگاشته می شود؟

یکی از ساده ترین جواب هایی که می شود به این پرسش ها

می باشد و به تناسب کار مردان ارزانتر است، بهره بیشتر عاید سرمایه‌داران می‌سازد. اینجاست که زنان، در جامعه سه شغله می‌شوند: تولید مثل، کار در خانه و کار در بیرون از خانه. این وضعیت، زنان را به کارگرانی مبدل می‌سازد که تحت استثمار مضاعف و چند لایه قرار دارند. همین استثمار مضاعف است که زنان را به مثابه یکی از نیروهای مهم در راستای مبارزه و در صف اول کنش‌های انقلابی قرار می‌دهد. بناءً نقش زنان در فرایند اجتماعی از جایگاه ویژه برخوردار است و هیچ مبارزه‌ای بدون حضور واقعی زنان نمی‌تواند به ثمر بنشیند.

این که کار زن قابل تبدیل شدن به ارزش نیست، تا جایی پرسش‌های مطرح شده را پاسخ داد، اما در رابطه به افغانستان که ساختار مستعمراتی نیمه فیودالی در آن پابرجاست، ستم و استثمار زنان شدید تر است. با توجه به این که اکثریت نفوس کشور در روستاها زندگی می‌کنند و به همین تناسب اکثر زنان افغانستانی نیز در روستاها به سر می‌برد، اما آنان نسبت به زنان سایر طبقات بیشتر مورد استثمار و ستم قرار می‌گیرند، زیرا از یک طرف مجبور هستند روی زمین‌هایی که متعلق به مردان خانواده است، کار کنند، از سوی دیگر کارهای خانه از وظایف اصلی‌شان به شمار می‌رود، تولید مثل در روستاها به دلیل عدم دسترسی به خدمات صحتی به مراتب بیشتر از شهرهاست، از طرفی به دنیا آوردن فرزند پسر برای آنان امتیاز به شمار می‌رود و به دنیا آوردن فرزند دختر، ستم را بر آنان مضاعف می‌کند. افزون بر استثمار و ستم، از دید فرهنگ حاکم، زن حیثیت‌شی وارگی و ملکیت مرد را دارد. زن در جامعه افغانستان حیثیت ناموسی و عالی‌ترین غیرت مردانه را دارد. زنان افغانستان به دلیل جنسیت‌شان از ابتدایی‌ترین آزادی‌ها و امتیازات حقوقی و طبیعی برخوردار نیستند و اگر بخواهند سرکشی کنند، با تهدید تجاوز و قتل‌های ناموسی مواجه‌اند. زنان حتی حق تصمیم‌گیری در مورد مهم‌ترین و جدی‌ترین مسایل زندگی‌شان از جمله ازدواج و طلاق را ندارند.

ادعای امپریالیزم غرب برای رهایی زنان. یک ادعای عوام‌فریبانه است: یکی از مهم‌ترین شعارهای امریکا در زمان اشغال افغانستان، رهایی زنان افغانستانی از برده‌گی و ستم طالبانی بود. چنین شعاری هر چند در ابتدا برای زنان خوش آیند بود، اما گذشت زمان ثابت کرد که این یک ادعای

عوام‌فریبانه بوده است. آنان با ایجاد یک حکومت دست‌نشانده به فجیع‌ترین نوع ممکن زنان افغانستان را به انقیاد کشیدند. در ابتدا امپریالیست‌های غرب با مستحکم کردن سنت و فرهنگ فیودالی، به مردان خانواده امتیاز آفایی و مالک بودن زنان را دادند، سپس با قانون، حکومت و پولیس، اختیارات مردانه این مردان را اجرایی کرد. با این شرایط اگر زنی شورشگری کند و بخواهد این اختیارات را نادیده بگیرد و در نتیجه بتواند از زیر سلطه مردان خانواده به شمول پدر، برادر، شوهر، خسر، برادر شوهر و ... جان به سلامت ببرد، پولیس و به اصطلاح دولتی وجود دارد تا زنان سرکش و شورشگر را سر جایشان بنشانند. در جامعه کنونی افغانستان، چنین هراسی بر زنان سایه افکنده است که رفت و آمد یک زن تنها حتی در ساعات اولیه شب ممنوعه و خطرناک به نظر می‌رسد.

قدرت‌های امپریالیستی در حالی که در کشورهای خودشان و کشورهای تحت سلطه تبلیغ توانمند کردن زنان و آزادی زنان را می‌کنند، اما در حقیقت این مساله، بهانه‌ای برای اشغال کشورها و راه انداختن جنگ است. در ۱۲ مارچ سال ۲۰۱۰، هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت امریکا خطاب به کمیسیون مقام زنان در سازمان ملل گفت: من و رئیس‌جمهور اوباما معتقدیم که انقیاد زنان تهدیدی برای امنیت ملی امریکا به شمار می‌رود، در این مساله نکته بسیار مهمی نهفته است. به این معنی که امریکا سیاست به اصطلاح رهایی زنان را برای تامین امنیت ملی‌اش ضرور می‌داند. زمانی که انقیاد زنان با امنیت ملی امریکا ربط دارد، بدین مفهوم است که آنان در صدد انجام پروژه‌هایی برای تامین امنیت‌شان هستند و رهایی زن شعار نیست در خدمت به اصطلاح تامین امنیت ملی‌شان نه مهمتر و بالاتر از آن.

سازمان‌های غیر دولتی بخشی از جنبش زنان نیستند:

یکی از مهم‌ترین پروژه‌هایی که امریکا برای تامین امنیت ملی‌اش در افغانستان و عراق انجام داد، گسترش وسیع سازمان‌های غیر دولتی یا انجوهای زنان بود. مسلماً جنبش انقلابی زنان، زمانی که خشم زنان را در راه یک انقلاب دموکراتیک نوین رها کند، بنیاد‌های نظام سرمایه‌داری و امپریالیزم را به لرزه در خواهد آورد، بناءً امریکا همه تلاشش را برای جلوگیری از آمدن چنین روزی انجام می‌دهد. این مساله مصداق بارزی در کشور ما دارد، زیرا در حال حاضر و در دهه گذشته، سازمان‌های دفاع

برای ایجاد جنبش زنان چه باید کرد؟

همانطور که گفتیم، زنان به گونه‌ی مضاف مورد استثمار و ستم قرار می‌گیرند. نظام سرمایه‌داری مرد را در مقام برتر از زن قرار می‌دهد و به این ترتیب مردان از کار رایگان زنان در خانه بهره می‌برند. به همین جهت، زنان که بار ستم و استثمار مضاعف را می‌کشند، نسبت به مردان جسارت بیشتری برای مبارزه دارند و آنچه می‌تواند قدرت تهاجم آنان را افزایش دهد، داشتن برنامه‌ی سیاسی انقلابی برای جنبش زنان و گسترش آن در میان طبقات تحتانی و محروم جامعه است. جنبش زنان از متحدین نزدیک جنبش کارگری است، زیرا همان نظامی که بر زنان ستم می‌کند، کارگران را مورد استثمار قرار می‌دهد، اقلیت‌های قومی، مذهبی و نژادی را مورد ستم و تبعیض ملی قرار می‌دهد، بنابراین جنبش زنان باید نسبت به تمام این بی‌عدالتی‌ها واکنش نشان دهد، اما بدون هدف روشن و حرکت نقشه‌مندانه و بدون بسیج و متشکل کردن زنان در شهرها، روستاها، مکاتب، دفاتر و ... نمی‌توان نظام حاکم سرمایه‌داری امپریالیستی در جهان و نظام مستعمراتی - نیمه‌فیودالی در افغانستان که حامیان ستم بر کارگان و زنان اند، شکست داد و بدون شک که این نبرد سخت و خونین خواهد بود.

وضعیت اسفبار امروزی زنان افغانستان و مسئولیت مبارزاتی ما

که بر آزادگان داغ اسارت سخت ننگین است

که در اکثریت این خشونت‌ها منسوبان و مسئولان رژیم پوشالی دست دارند. در خیلی از این خشونت‌ها اعضای پارلمان رژیم، ماموران بلند رتبه، مسئولان امنیتی یا بصورت مستقیم دست دارند و یا هم در تبانی با باند‌های جنایتکار قرار دارند. آمار و ارقام خشونت بر زنان خیلی تکانه‌دهنده و بیشتر از آن است که توسط رسانه‌ها و یا از طریق شبکه‌های اجتماعی بازتاب می‌یابد.

باری اشرف غنی این مزدور مشهور یانکی‌ها، در یکی از گردهمایی‌های پیکار به اصطلاح انتخاباتی خویش اعلان نمود که:

«اگر در اداره‌ی تحت امر او، یک قضیه‌ی بی‌ناموسی رخ دهد، وی دست‌های افراد مرتکب را قطع می‌کند.»

این سخنان در واقع، نیشخندی بر حالت اسفبار زنان کشور است و یا به سخن دیگر، اشرف غنی با این سخنانش می‌خواهد به زنان بگوید که اگر مورد ستم و تجاوز قرار گرفتید، لب فرو بندید در غیر آن سرنوشت نکبت بار در انتظار شماست.

از حقوق زنان، یکی از پر درآمدترین تجارت‌های موجود در افغانستان بوده است. به وفور می‌شد از زیر هر سنگی چندین انجوی مرتبط با حقوق زنان یافت. یکی از دلایل عمده‌ای که زنان نتوانستند یک جنبش انقلابی سیاسی به راه اندازند نیز همین مساله بود. برخی از زنان به دلیل وابستگی به نظام حاکم و برخی دیگر به دلایل اقتصادی به این سازمان‌ها پیوستند. این سازمان‌ها توانایی ایجاد جنبش‌های رهاییبخش و برابرخواه زنان را از آنان سلب کرد و نیروی‌های بالقوه‌ای را که قدرت رهبری چنین جنبش‌هایی را داشتند، با قرار دادن در راس این انجوها، خنثی کردند. به همین دلیل ما باید کسانی را که امریکا را منجی رهایی زنان می‌دانند، افشا و از میان مان طرد کنیم و اجازه ندهیم با نفوذ در صفوف مان، ما را به سوی انجوی شدن و غیر سیاسی شدن سوق دهند. در حال حاضر همه‌ی ما با کارکرد این انجوها آشنا هستیم که معمولاً با برگزاری کنفرانس‌های خبری، از افزایش خشونت علیه زنان ابراز نگرانی می‌کنند و حداکثر توانایی شان، تهدید دولت به راه اندازی یک تظاهرات مسالمت‌آمیز است! که در واقع این حرکت‌ها در راستایی فندگیری بیشتر اجرا می‌شود.

تو شاهینی قفس بشکن به پرواز آی و مستی کن

با سلام و عصر بخیر خدمت همه‌ی شما حضار گرامی، نخست فرارسیدن هشتم مارچ روز همبستگی مبارزاتی زنان را، به همه‌ی زنان جهان و به خصوص به زنان رنج‌دیده و هم‌سرنوشت افغانستانی‌ام تبریک عرض می‌کنم. در چند دقیقه‌ی کوتاه، گفته‌هایم را تحت عنوان وضعیت اسفبار امروزی زنان افغانستان و مسئولیت مبارزاتی ما خدمت شما به عرض می‌رسانم.

یکبار دیگر هشتم مارچ فرا رسید. هشتم مارچ، روز همبستگی و رزمندگی زنان در مقابل استبداد و ستم مرد سالارانه است. بزرگداشت از هشتم مارچ در واقع ارجگذاری به مبارزات برحق زنان و برای رفع کامل بردگی جنسی می‌باشد.

هشتم مارچ امسال، در حالی فرا می‌رسد که زنان کماکان با انواع خشونت‌ها روبرو می‌باشند. خشونت‌های روا داشته بر زنان، در واقع در سایه‌ی به اصطلاح دولت و زیر چشم به اصطلاح صدها موسسات مدافع حقوق زنان، صورت می‌گیرد. روزانه آمار و ارقام خشونت علیه زنان، از قتل‌های ناموسی گرفته تا خودسوزی، فرار از منزل، تجاوز جنسی گروهی و فردی، لت و کوب، قطع اعضای بدن، اختطاف و غیره بیشتر می‌گردد. این در حالیست

باشد که زنان بسته شده با زنجیرهای ستم بر دست و پاهای شان، خود را آزاد قلمداد میکنند و زنجیرهای شان را ابزار و آلات زینتی میدانند. برای وضاحت بیشتر، این موضوع را کمی می شکافیم و پهلوهایی خطرناک آن را به بررسی می گیریم.

در سایه حضور نیروهای خارجی و اشغال کشور و در چارچوب رژیم پوشالی، اداره ای به نام وزارت زنان ایجاد گردیده است. این وزارت با وجود امکانات و پول های باد آورده، نه تنها در بهبود وضعیت زنان نقش نداشته بلکه در تداوم ستم بر زنان نقش بارز ایفا نموده و حلقه های زنجیر بسته بر دست و پاهای زنان را بیشتر از پیش افزوده است. پول های باد آورده شده که به اصطلاح برای بهبود وضعیت زندگی زنان به مصرف رسیده است، صرف برنامه های تجملی و نمایشی گردیده است که به نام سیمینار، کنفرانس و ورکشاپ و غیره دایر گردیده است. از آنجاییکه فساد اداری در سرتاسر بدنه رژیم غوغا میکند، راه اندازی این گونه برنامه ها نیز به منظور حیف و میل بیشتر صورت میگیرد و حتا یک درصد در جهت بهبود وضعیت زنان کارساز نبوده و نمی تواند باشد.

از طرف دیگر زنان و دخترانی که مورد ستم و تجاوز قرار میگیرند و یا از خانه فرار میکنند، در "خانه های امن" یا همان شلتر های مربوط به وزارت امور زنان جابجا میگردند. این زنان نه تنها در این مکانها امنیت ندارند، بلکه مورد ستم و تجاوز مضاعف از سوی مسولان "خانه های امن" و نیروهای امنیتی قرار می گیرند. جنایت و تجاوز در این شلتر ها تا حدی زیاد است که حتا یکی از به اصطلاح اعضای پارلمان رژیم در جلسه عمومی پارلمان، "خانه های امن" وزارت زنان را فاحشه خانه های دولتی خطاب نمود. چنانچه سال پار تجاوز مسئولین امنیتی ریاست عدلیه ولایت دایکندی بر یک خانم که به "خانه امن" پناه برده بود، زبازد عام و خاص گردیده بود.

از جانب دیگر، ده ها موسسه غیر دولتی خارجی و داخلی نیز در این زمینه با مصرف میلیون ها دالر کار میکنند، اما همانگونه که ماهیت این نهاد ها زن ستیزانه است و تنها مساله ی حقوق زن را یک رویوش فریبکارانه برای کارهای پروژه یی خویش ساخته اند، هیچ بهبودی در وضعیت اسفبار زنان به مشاهده نمی رسد. این مساله میتواند دلایل مختلف داشته باشد. نخست دید پروژه یی نهاد ها به زنان و حقوق آنها. نهاد ها و موسسات مذکور کار روی حقوق زنان را بصورت یک پروژه مدنظر دارند. تا زمانیکه حقوق زن، پروژه یی برای کسب فند برای این نهاد ها باشد و به آن به عنوان یکی از مسایل مبرم و مهم انسانی نگریسته نشود، وضعیت زنان بدتر از این خواهد شد. دو دیگر اینکه همین برخورد پروژه محور نهاد ها به مساله زنان، در واقع باعث توهم در میان زنان میگردد که گویا با برگزاری و راه اندازی چند برنامه نمایشی، آنها فقط در سطح کلان شهرها نه در روستا ها، وضعیت زنان بهبود خواهد یافت و زنان به تساوی جنسی دست پیدا خواهند کرد.

این توهم در واقع یک پدیده خودبخودی نیست، بلکه سرشت برنامه ها و مصرف پول ها در راستای مساله زنان به این گونه، یک پدیده برنامه ریزی شده است تا زنان نه تنها قادر نگردند به آگاهی کامل در مورد حقوق خویش دست یابند، بلکه در بینش

این مساله از دو جهت قابل بحث است: نخست اصطلاح "بی ناموسی" که وی در مورد زنان به کار برد، ناشی از همان دید غلیظ شوونیستی مردسالارانه ی است که کل بدنه ی نظام را دربر دارد. در فرهنگ و مناسبات مستعمراتی - نیمه فیودالی کشور، "بی ناموسی" در واقع به مفهوم مرگ تدریجی برای زنی است که مورد تجاوز و ستم قرار گرفته است. بر ملا سازی این پدیده در ساختار سنتی نیمه فیودالی، به مفهوم برپادی آبرو و اعتبار فامیل و اقارب فرد قربانی هم تلقی میگردد. در جامعه ای با چنین ذهنیت، چسان می تواند از این "بی ناموسی" دفاع صورت گیرد؟

چنانچه همه میدانیم؛ خانمی به نام خاطره که طی چند سال مورد تجاوز جنسی و ستم پدرش قرار داشت، از یک طرف توسط تهدید پدرش و از جانب دیگر بخاطر حفظ "آبرو و حثیت خویش" از افشای این جنایت خود داری نمود، تا جایی که وی از پدرش یک دختر به دنیا آورده و یک طفل دیگر در بطن دارد و قبل از این، چندین طفل دیگر خود را که از پدرش حمل گرفته بود سقط نموده است. پس از افشای قضیه و دستگیری پدرش، زمانیکه دادگاه پدرش به اتهام تجاوز برگزار گردید، قاضی دادگاه خطاب به خاطره می گوید: زمانیکه مورد تجاوز پدیرت قرار گرفتی، چرا خود کشی نکردی؟

این است ماهیت واقعی رژیم دست نشانده و دادگاه فاسد آن که به اصطلاح تامین کننده "عدالت" می باشد. این است ماهیت سخنان واقعی اشرف غنی در جریان پیکار های انتخاباتی اش برای زنان. خشونت های وحشتناک دیگر بر زنان در سایر مناطق کشور نیز به روشنی نشان میدهد که رژیم مزدور در ستم بر زن و اعمال خشونت بر زنان که جزئی از ماهیت آن را تشکیل میدهد، هیچ فرقی با خشونت های نیروهای طالبان ندارد. بریدن شرمگاه یک خانم در ولایت هرات بوسیله شوهرش، تجاوز و سپس بریدن سر یک دختر نوجوان در همین ولایت، تجاوز گروهی بر یک خانم حامله در یکی از ولایت های شمالی کشور، بد دادن دختر ده ساله در ولایت بلخ، سقط جنین خانم حامله توسط ملای جن گیر در ولایت قندوز، تجاوز گروهی بر دختر دانشجوی دانشگاه کابل، که توسط موتر دولتی اختطاف و سپس بر وی تجاوز گروهی صورت میگیرد و در واکنش به این عمل، نامزد وی به نام فیروز چندی قبل خود را در چهار راهی نزدیک به ارگ در قلب شهر کابل آتش زد و ده ها مورد دیگر همه و همه نشان دهنده ماهیت زن ستیزانه و ستمگرانه رژیم پوشالی می باشد. رژیم و نهاد های به اصطلاح عدلی و قضایی وی، نه تنها به این موارد از خشونت ها رسیدگی نمیکنند، بلکه در تبانی و همکاری نزدیک با متجاوزان و ستمگران قرار دارند و این زنان قربانی هستند که باید رنج این ستم ها را برای همیشه با خود حمل کنند و یا در عین ستم دیدن، رنج زندان را نیز به جان بخرند.

از این رهگذر آنچه برای زنان نهایت فریبنده و برای جنبش مبارزاتی زنان نهایت خطرناک و توهم آفرین می باشد، دلخوشی ها و وعده های فریبنده است که بوسیله رژیم دست نشانده، نیروهای متجاوز و اشغالگر و ده ها موسسات دولتی و غیر دولتی وابسته به آنها در مورد حقوق زنان، به خورد زنان و افکار عامه داده می شود. این تبلیغات آنقدر خطرناک و مسموم کننده می

اشغال و سرنگونی رژیم پویشالی است. تنها با سهمگیری در چنین مبارزه است که زنان افغانستانی میتوانند در مسیر تساوی حقوق خویش گام بردارند. چون در شرایط اشغال کشور، عمده سازی تساوی حقوق زن و مرد، نه تنها متحقق نیست، بلکه در خدمت اشغال کشور تمام میگردد.

از این رو زنان و دختران مبارز، آگاه و رنجیده میباشند. تنها با سهمگیری در مبارزه ی پیگیر و بی امان در راستای آزادی و استقلال کشور، سرنگونی رژیم زن ستیز و مزدور و ادامه مبارزه تا محو کامل ستم طبقاتی و ستم جنسی فرا می خوانیم. تنها و تنها زنان کشور با رزمیدن در این مسیر است که میتوانند شاهد فردای بهتر در زندگی شان باشند. از این رو ما همه ی زنان و دختران رنجیده و مبارز را، برای رزمیدن در صفوف دسته هشت مارچ زنان افغانستان، که یک تشکیل پیشکسوت و انقلابی زنان می باشد، فرا می خوانیم تا با رزمیدن در این صف انقلابی، بتوانیم زنجیرهای ستم بسته شده بر دست و پاهای مان را پاره کنیم.

زنده باد استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور و برابری و تساوی جنسیتی!

سیاس از توجه همه تان.

دلته بنځه اوسیدل گناه ده

په وخت کې د مرستې غوښتنه کوله؟ آیا چا د هغې پیغلې چیغې واوریدې چې غوښتل یې د نکاح په سپینو جامو کې په پوره درنښت د خپلو هیلو د باچا کورته ولاړه شي، خو لا د یو لوی ښامار له لوري یې جسم د هوس او شهوت ښکار شو؟

آیا څوک د هغې ماشومې په حال خبرشول چې غوښتل یې په راتلونکي کې یوه تکړه معلمه سي او په همدې هدف جومات ته د ملا امام څخه د درس لوستلو لپاره لاړه خو هغه بد او کثیف انسان د خدای په کور کې د هغې عزت لوټ کړ؟

له افغانستانه که را بهر هم شو او لږ ها خوا دی خوا ته نظر واچوو نو ریحانه را یادېږي. هو! ریحانه جباري یادوم، هغه نولس کلنه پیغلې چې د خپل عزت د ژغورلو لپاره د خپل هیواد یعنی ایران یو لوړ پوړی چارواکی ووژلو، هغه ریحانه چې پرې یې نه ښوده هغه وحشي ليوه خپل مراد حاصل کړی. خو هغه یې دار ته په دې تور پورته کړه چې عزت یې همداسې پاک وساته. هغې خپلې خوږې مور ته یې په وروستيو جملو کې داسې وویل:

«زما خوږې مورې، زه نن پوه شوم چې قصاص کېرم، دردمنه یم چې تا ما ته زما د ژوند د وروستۍ پانې خبر رانه کړ، ته گومان نه کوې چې په کار وه زه پوه شوی وای؟ مورې پوهېږې چې زه ستا په خواشینۍ او خفگان خومره خجالته یم، ماته دې ولې د خپلو او د پلار د لاسونو د ښکلولو فرصت رانه کړ؟ مورجانې، نړۍ ماته د نولسو کالو د ژوند اجازه راکړه، او هغه بد شکومه شپه باندې که وژل شوی وای، زما مری به د ښار په یوه سیمه کې غورځول شوی وای، او له څو ورځو وروسته به پولیسو ته د عدلي طب مرکز ته راوستلې وای چې زما مری وپېژنې، او هلته به ته پوه شوې چې پر ما زیاتې شوی دی قاتل به په گوتو نه و درغلی... او له دې وروسته به تا په ستړیا او شرم کې

و ذهنیت آنها توهم " تساوی جنسیتی" شکل گیرد و اراده ی برای مبارزات پیگیر و رادیکال نداشته باشند و نیز ماهیت این ستم را درک نتوانند. به عبارت دیگر موسسات و نهادهایی که در راستای حقوق زنان کار میکنند، این گونه در تشدید و دوام ستم بر زن نقش برجسته دارند. آنچه فعالیت ها و حرکت های مدنی گفته می شود همه و همه در خدمت استمرار ستم بر زن نقش بارز دارد. مبرهن است که این گونه فعالیت های نمادین و سمبولیک تنها در سطح کلان شهرها دایر میگردد و بیشترین زنان کشور را که در روستا ها و مناطق دور دست هستند و بیشتر از ستم شوونیستی مردسالارانه رنج می برند را در بر نمی گیرند. از این رو این حرکت ها جز خاک به چشم زنان انداختن معنا و مفهوم دیگری نمیتواند داشته باشد.

چنانچه میدانیم ستم بر زن یک پدیده ی تاریخی می باشد که با ستم طبقاتی گره محکم خورده و در خدمت آن قرار دارد. بناءً ستم بر زن تا محو کامل ستم طبقاتی پابرجاست و تنها با نابودی آن می تواند نابود گردد. اما در شرایط کنونی، که نیروهای متجاوز و اشغالگر با شعار " آزادی زنان، بر قراری امنیت و تامین صلح" بر کشور تجاوز نموده اند و رژیم مزدور را شکل داده اند، مسئولیت عمده ی مبارزاتی مردان و زنان این سرزمین طرد

زمنونږ په ننی ټولنه کی انسانان له خپلو عادی حقوقونه برخمن ندی او په ځانگړی ډول، ښځی په ټولنه کی د راز راز نا خوالو او په ډول ډول اشکالو او بهانو د تاوتریخوالی سره مخامخ دی. دلته د ښځو لپاره ژوند د زندان حیثت لری. دلته د دین، دیموکراسی او د ښځو د حقوقو تر نامه لاندی د ښځو ځپلو او زورولو لپاره ټول سره یولاس دی. د امپریالیزم تر ولکی لاندی هیوادونو کی د ښځو د درد او رنج نه بی خبر او خپل د قدرت د نشی نه پرته بل څه نه پیژنی او ښځی د هوسونو ښکاروی.

دلته ښځه لا تر اوسه د مینځی حیثیت لری. دلته د هوسونو د پوره کولو لپاره د هری وسیلی څخه کار اخلی او ښځه د یوی متاع په شکل استعمالیږی. زمنونږ په ټولنه کی مردسالاری حاکمه ده. پلار، ورور، تره، میره دا حق لری چه ښځه تر کنترول لاندی ونیسی او هر ډول ستم پری وکړی هو د ښځو سره د زور زیاتی هره ورځ د رژیم له میدیا څخه خپریږی. څو ورځې مو پرلپسې له رسنیو اوریدل چې د افغانستان په بیلابیلو سیمو کې د تاوتریخوې د منعی نړیوالې ورځې تجلیل او لمانځنه وشوه. په همدې اساس د ښځو چارو وزارت د ښځو پر وړاندې د تاوتریخوالی کچه خپاره کړل په اړه وویل شول چې د ښځو په وړاندې تاوتریخوالی ډیر شوی. د تیر کال په پرتله او د روان کال له پیله چې تقریباً ۷ یا ۸ میاشتې کیږی د ښځو په وړاندې د تاوتریخوالی شمیر شاوخوا ۲۰۰۰ پیښو (جنسی تیری، جبری ودونه، وهل ټکول او قتلونه) ته رسیدلی دی. دا پیښی چا وغندل، چا خواشیني څرگنده کړه، چا پروژې واخیستې، چا یو دوې ورځې د یو څو ډالرو لپاره بیلابیل د تاوتریخوالی پر ضد شعارونه ورکړل او څو ک په خپل ځای چه خوله پاتې شول .

خو آیا چا وویل چې بغیر له پروژو اخیستو به یوه د حل لاره دې موضوع لپاره وټاکو؟ آیا چا د هغې مور غږ واوریده چې د خپل زوی له لوري د وژلو

مونږ ته پکار دی چه د ښځو په مقابل کی دی ستم، استعمار، ظلم، تیری او زیاتی د مخنیوی لپاره په کلکه مبارزه وکړو او د ښځو خپل انسانی حق په لاس راوړو. د ښځو ټولنی او په ځانگیری ډول د مارچ د اتمی ډله هغه ډله ده چه مونږ ټول ښځی په هغه کی سره راغونډ او خپلی مبارزی ته په گډه ادامه ورکولای شو.

د افغانستان د مارچ اتمی ډله هوډ لری چه خپلی مبارزو ته تر هغی دوام ورکړی تر څو چه دغه ښکیلاک او لاس پوځی رژیم چه د ټولو جنایاتو عامل دی له منځه یوسی او یوه ښځه هم په ټولنه کی ترستم لاندی پاتی نوی.

ژوند ته دوام ورکړې و، له څو کلونو وروسته به د دې سختیو د لاسه مړه شوې وای. او هر څه به بیا پای ته رسېدلې وای.»

ریحانه نه ژاړي ریحانه یی په دار وخیژوله خو هغې بیاهم د نړۍ ټولو میرمنو ته دیوې میرمنې زړورتیا او همت ثابت کړ ..

د تخار عمجنه پېښه د پغمان شرمونکی او وحشیانه پېښه او په لس گونه نوری داسی بیلگی چه ښځی روزانه د زور زیاتی کواښ سره مخامخ دی. ددی ټولو بی عدالتیو او تیریو اصلی عامل د امریکی په مشری نړیوال ښکیلاک او د هغه لاس پوځی رژیم په افغانستان کی دی.

تاریخچه هشت مارچ هم درین محفل خوانده شد

اشعار خوانده شده در محفل اول:

آزادی ای آزادی

باد به من گفت می آیی

و من خودسرانه به کلبه ی تو شتافتم

رو به افق نشستم

افق روشن بود و چشم من پر از امید

آه ای آزادی ، آزادی

از کدام کرانه خواهی درخشید

که فرش راه تو خون جانم باد.

ابر به من گفت می آیی

و من بال های امیدم را در انتظار تو گشودم

و پشت به قلعه های بلند نا امیدی کردم

به سوی آسمان آرزو ها پال گشودم

آه ای آزادی، آزادی

از کدامین شاهراه خواهی آمد

که زلفان پریشانم را فرش راه تو کنم

باران به من گفت می آیی

و من دامن خشک کویر وجودم را

لبریز از قطراتش کردم

تا شقایق های سرخ کوهستانها را سیراب کنم.

آه ای آزادی، آزادی

از کدامین کرانه خواهی آمد

تا شقایق های تشنه ی تو

به تو سلام گویند.

آزادی، آزادی

باز کن پنجه ی این محبس طولانی را

چه توقع رود این قلب زمستانی را

بی تو، تنها چه کنم این شب بارانی را

لذت دامنه ی سبز بیابانی را

لذت موج سواری، تب توفانی را

به فرشته ندهم عزت انسانی را

که نبینی پس از این رسم قمندانی را

باز کن پنجره ی مرغک زندانی را

تا پرستو نشود عازم دامان بهار

بی تو، تنها چه کنم لذت مستی ی هوا

وقتی آهو نشوی حس نتوانی هرگز

وقتی ماهی نشوی حس نتوانی هرگز

به بهشتش ندهم لذت یک بوسه ی تو

باز کن پنجره ی مرغک زندانی را

بیش ازین رفتار اینسان غیر انسانی نکن

با تبر، با زور جادویت زمستانی نکن

بیخود از پستان های زن نگهبانی نکن

خلق را در چاه بغض خویش قربانی نکن

از فرشته بودن تیریم، شیطانی نکن

بیش ازین تولید اسباب پریشانی نکن

جهل را در جایگاه علم مهمانی نکن

در قفس مهتاب را ای شیخ زندانی نکن

قامت سبز سپیداران عاشق پیشه را

یک کمی نر بودن خود را بزن مهمیز لیک

چشم ها را بنما تطهیر تو با نور عشق

یک کمی از آدمیت خو اگر گیری بد است؟

زندگی همراه خود دارد پریشانی، بس است

با چه زحمت علم در روی جهان پا مانده است

بگو خواهر بگو

بگو خواهر بگو

خاموشی تو سزای عظیمی است

شلاق نا مردمیست

شکنجه استخوان های نازک منست

نگاه تو

نگاه پر از شکوه و شکایت تو....

نگاهی خاموش تو....

خود یک فریاد است.

که این گنبد نیلوفری را خواهد لرزاند.

دستان خلاق تو که از هیچ کاری دریغ ندارد،

کبود از شکنجه کدامین جلاد است؟

کدامین نا انسان

کدامین نامرد....

کدامین بی مروت....

بر اندام خلاق تو تسمه جهالت کشیده است.

بر پیشانی تو مهر بی وفایی گذاشته است.

ترا چو جنسی عرضه بازار کرده است

بگو عزیز من، بگو.

لیلام تو در این صحرایی بی عدالتی ها

حاصل کدامین خاموشی هایت است؟

حاصل کدامین مجبوریتت؟

بگو، بگو دوست من، بگو.

بازیچه هوس کدامین هوس باز شده ای -

کی حلقه تناب دار ترا

با شراب عشق دروغین، آجین کرده است.

او عشق کرد و لذت برد و تو..

بالای دار آرزوهای خود رقصیدی -

او عشق کرد و لذت برد و آخرین سنگ را بر پیکر نا توان تو زد -

تو میسوزی و میسازی -

این آتش آتشین وجود تو

تا اعماق قلب مجروح مرا شعله ور ساخته است-

سیلی که بگونه های نازک تو خورد،

چهره مرا باز گلگون کرد-

بگو ای زن ، بگو-....

که گفتار تو مرحم زخم های منست-

در چشمان تو که هزاران سوال و هزاران پرسش خاموش نهفته است،

با یک دامن اشک فریاد میشوند-

این فریاد را برکش ز دل -

نگذار قارچ های نا امید بر دلت رخنه کند-

بر سایه ها منشین و گریه نکن -

آفتاب را از خود دور نکن-

که این جهان بدون تو از شکل خواهد افتاد.

گریه پنهان تو، هق هق خاموش تو،

گزارش زطوفان هولناکی میدهد.

که زمین را به خشکسالی محبت دعوت میکند.

بگو ای زن بگو -....

پرده از ناگفته ها بردار-

در چی اندیشه ای شب را سحر کرده ای ؟

در کدامین گودال حوادث،

فریاد خود جا گذاشته ای؟

با کدامین آشوب همبستر بوده ای؟

مرا خاموشی تو خواهد کشت-

بگو بگو -....

بگو دخترم بگو،

اندام تو زخمی شلاق کدام ستم پیشه است؟

سرت بشکسته ای کدامین سنگ جفاست؟

دهانت خونین، با کدامین مشت نا مردمی است؟

دندان هایت فرو ریخته از ظلم کدام جلاد است؟

بگو خواهر -.... بگو

که دیگر توانم به آخر رسیده است-

بگو که : تحمل دیگر برایم ناجایز است-

که دیگر خاموشی جایز نیست-

آری، تو باید فریادت را بلند ترین آواز کنی-

تا بشکند سکوت این گنبد نیلوفری را،

غرش سهماگین طوفان صدایت-

که دیگر سنگ هایی که به اندام تو میخورد اندام همه ما را گلگون میکند-

که دگر خون سر بشکسته تو، از چشمان ما نیز جاریست-

که این جهان را خون رنگین میکند.

که سیلی هایی که به گونه های ننازک تو میخورد

چهره ما را نیز داغون میکند

بگو مادر ، بگو- -

ناگفته ها را بیان کن-

غرش طوفانی که بر دلت بخاموشی نشسته است

با آوازت بر کش

بگو، بر خیز، بتاز

بر دشمنان آسایش

بر آنان که فرزندات را بر دار میرقصانند

بر آنان که خون رفیق زندگیت را در سیه چال ها مینوشند

بر خیز، بر خیز، بر خیز!

بر خیز به پا!

بتاز بر دشمنان میهن

بتاز بر این "سیا" خونخوار

بر این نوکران سرمایه ، که خونت میریزند و بزنجیرت میکشند-

بر خیز، بر خیز، بر خیز!

بر خیز بر دار علم عدالت خواهی و برابری!

بر خیز و خاموش کن آتش جهالت را

که جهان را در کام خویش می کشد

که با امر اربابان وحشت دهانت را میبندد

که دستانت را در خفا میبندد

تاتو راضی بر این شوی که این سرنوشت توست

نه، نه، نه!

این سرنوشت تو نیست

این سرنوشت انسان خلاق نیست

و آن انسان خلاق تویی

پس خاموش کن خاموش کن آتش جهالت را

که میسوزند روح فرزندان را

و بخوان ای زن کلمه آزادی را

عدالت را، برابری را

بگو ای زن کلمه ای استقلال را

بگو، برخیز، بتاز

بتاز ای زن بتاز بر دشمنان آسایش بشر

بتاز بر این اژدهای صد سر

بتاز ای زن ، بتاز

دختر قالین باف

تو با این خوردسالی خواهرم قالین می بافی

و پشت هر نخ و رنگش چه بی صبرانه الافی؟

اگر یک لحظه فرصت میشود دستت توقف ده!

که می خواهیم بگیرم از شما خواهر بیوگرافی

چه میپرسی از احوالم؟ منم عصاره غمها

اگر تو نکته میدانی همین یک جمله ات کافی

تو یک دنیای مشکل پیش رو داری، اگر میشه

کمی با دستها و ذهن خود کن کار صرافی!

تو حق زیستن داری به هر شکلی که میخواهی

فقط آزادی کم داری، نه یک دنیای اشرافی

برای کسب آزادی کمی همت، کمی شورش!

که تا آخر نمی ماند نه بن لادن، نه قذافی!

دل طغیانگرم، آرام کردند
مرا بدنام خاص و عام کردند
دلَم را با سرودن شاد کردم
ره و سبکی نوی ایجاد کردم
زمستان صحنه ی درد و الم بود
دوتار و کاغذ و شعر و قلم بود
غم ناگفته ی یار و دیارم
اسیر غصه های روزگارم
غزل های ترم آواز دل بود
همیشه عاشق و دمساز دل بود

دلارامم ، به پایم دام کردند
به جرم زن بودن مردان جاهل
صدای جنس زن فریاد کردم
به موسیقی ناب سرزمینم
دمی که قریه ها لبریز غم بود
تسلای دل غم دیده ی من
حضور سبزه ها سبز از دوتارم
وحالا مهر بر لب دل پر از درد
دوتارم پرده های ساز دل بود
سر انگشتان افسون ساز و تارم

اصلاح شده شعر ذیل در محفل دوم خوانده شده است.

زن امروز

با اینکه تو در دنیای نامردان تو زن بودی	با اینکه تو درگیر درد سوختن بودی
آماج رنج بی شمار تاختن بودی	شلاق نا مردی به روی صورت ات می خورد
حقدار انواع ستم ها و زدن بودی	اندام نرم و نازک تو جرم سنگین بود
محکوم بر خاموشی و لب دوختن بودی	در دادگاه مرد مثله می شدی هر روز
هر لحظه ی عمرت شکار سوظن بودی	با اینکه مادر بودی، خواهر بودی و همسر
در گیر درد و رنج های خویشتن بودی	می سوختی از ظلم و رنج مرد سالاری
تو پاسدار و پاسبان این وطن بودی	وقتی که پای مادر میهن به میدان بود
زیباترین گل، گل نه، سرو این چمن بودی	با این همه درد که روی شانه هایت بود
سهم تو از روی زمین هر ذره اش سنگ است	وقتی که دست آسمان از خون تو رنگ است
وقتی که از دنیا و از خود نیز دلسردی	وقتی شکار لذت و خودخواهی مردی
وقتی دلیل برتری ی مردها زور است	وقتی که گوش و چشم این دنیا کر و کور است
قدرت بگیر، انکار از این برتری کن	آب از سرت بالا شده عصیانگری کن
ظلم و ستم را از زمین بالا نما خواهر	حالا بیا و آستین بالا نما خواهر
هر کس برایت این قفس را ساخته بشکن	یوغ که روی گردنت انداخته بشکن
بر هر چه ظلم و ظالم و ظلمت تهاجم کن	ترس و هراس مرد ها را از دلت گم کن
با هر چه ظالم جنگهای تن به تن کن	ظلم و ستم را با ستمگر ریشه کن کن
دنیای نو بر جای این دنیا بنا کن	طرح نظام نو در این عالم بپا کن

گاهی ضعیفه، گاهی سیاه‌سر شدی چرا؟
چاقو کشان عصر حجر را به سادگی
باغیرتان تازیانه به دست سخیف را
مردان زن ستیز رذالت سرشت را
ملا و شیخ و شحنه و شیاد و شاب را
بی‌زن همیشه جامعه مرد، مرده به
هر اجتماع بدون تو زشت است و ناپسند
تقدیر خود به دست قدیرت رقم بزن

گاهی به جنس هرزه برابر شدی چرا؟
دمساز و هم‌ترانه و همسر شدی چرا؟
با عشق مادرانه‌بی، مادر شدی چرا؟
در کوچه‌های حادثه خواهر شدی چرا؟
بی هیچ ترس و واهمه دلبر شدی چرا؟
نامرد راشگوفه احمر شدی چرا؟
هم‌مسلك و شریک ستمگر شدی چرا؟
بزار دست مرد جفاگر شدی چرا؟

وصیت

سلام ای دخترم! ای نور چشمم
بگیر این بیل و این داسم بدستت
به دستانت مبندی دست بندی
مبادا حلقه در گوشت نمایی
مگر ای دختر دهقان نژادم
پر پروانه خواهد شعله شمع
خودت تصمیم تغییر جهان گیر
بپاشان بزر یک دنیای نو را

مرا شاید پس از امشب نفس نیست
که در دور و برت کم خار و خس نیست
مگر آزادی ات هرگز هوس نیست؟
ترا محکوم بودن هیچ بس نیست؟
ترا این خانه، این دنیا قفس نیست؟
و آتشبازی در ذهن مگس نیست
که جز دست خودت فریاد رس نیست
که در آنجا ستم بر هیچ کس نیست ۲۰۱۲

خواهر

خواهرم بیدار شو تقدیر دنیا دست توست
گرچه تا امروز هم بستست دست و پای تو
دشمن خونخوار ما ترند ها دارد مگر
داده نا مردان به دشمن خاک میهن را اگر
زندگی را در اسارت سر نمودن ذلت است

دفن کن دیروز را آغاز فردا دست توست
موج طوفان خیز مردم مثل دریا دست توست
صخره سنگ مرگ دشمن کوه بابا دست توست
سنگر هر کوه و دره، دشت و صحرا دست توست
پاره کن زنجیر را دست توانا دست توست

در اخیر برنامه محفل اول، قطعنامه مشترک محافل هشتم مارچ به خوانش گرفته شد، که این قطعنامه در اخیر این شماره درج می‌باشد.



افتتاحیه



حضر نهایت گرامی!

تشریف آوری شما را در محفل هشتم مارچ، روز جهانی زن، خیر مقدم می گویم. خوشحالیم که با شما و در کنار شما این روز را که در آن زنان کارگر نیویورک امریکا قربانی آزمندانه و حریصانه سرمایه داران امریکایی گردیده و جاده های نیویورک را باخون خود رنگین ساختند، تجلیل می نمائیم.

ما این روز را به تمام زنان جهان بخصوص زنان مبارز و انقلابی افغانستان و همچنین مردان آزادیخواه و انقلابی کشور تبریک و تهنیت عرض می نماییم.

ما این روز را تجلیل می نماییم تا یاد و خاطره زنان کارگر زنان قهرمان نیویورک امریکا را که بخاطر حق شان جان های شان را فدا ساختند زنده نگهداریم.

این روز روزی نیست که از طرف امپریالیستها و رژیم های ارتجاعی به زنان اهدا شده باشد، بلکه روزیست که زنان در اثر مبارزات و جانفشانی های خودشان ثبت تاریخ نموده اند. این روز، روزیست که زنان جهان بدون در نظر داشت قوم، مذهب، نژاد، زبان و رنگ میتوانند در کنار هم از منع خشونت و منع تبعیض علیه زنان و از برقراری تساوی میان زنان و مردان دفاع نمایند.

برگزاری هزاران محفل تجلیلیه در روز هشتم مارچ نشان می دهد که زنان می توانند دوشادوش مردان انقلابی برای ایجاد جامعه عاری از هر گونه استثمار و ستم گام بردارند. برگزاری این محافل نشان می دهد که حق نمی تواند یک تحفه اهدایی از طرف امپریالیست ها باشد، بلکه چیزی است که باید با زور از حلقوم شان بیرون کشیده شود.

امروز به خوبی مشاهده می شود که در قرن ۲۱ امپریالیستهای اشغالگر همچو گرگ وحشی به جان خلقها و ملل ستمدیده افتاده و کشورهای شانرا یکی پی دیگری به اشغال خویش در می آورند و تلاش دارند تا توده های ستمدیده و بخصوص زنان را به بردگان بدون میهن تبدیل نمایند. اشغالگران امپریالیست همراه با رژیم پوشالی، از زمان شاه شجاع سوم تا دست نشانده کنونی، بیش از حد بر ستمگری خویش علیه توده های زحمتکش افزوده

و به ویژه زنان این جامعه را در عقب مانده ترین و ظالمانه ترین اشکال ستم اسیر نموده اند. چنانچه روزی نیست که از قتل، شکنجه، تهدید، ارباب و تجاوزات گروهی و انفرادی بر زنان حکایتی در میان نباشد و روزی نیست که در یکی از نقاط کشور زنی به قتل نرسد.

در شرایط کنونی افغانستان لت و کوب، تهدید و ارباب زنان به یک امر طبیعی تبدیل گردیده است، زیرا مسئله قتل و تجاوزات جنسی بر زنان آنقدر ابعاد گسترده ای بخود گرفته که انواع دیگر ستم را تحت شعاع قرار داده است.

بنابراین ما به پاس مبارزات زنان قهرمان و مبارز افغانستان و جهان، این روز خجسته را تجلیل می نمائیم، تا باشد که گامی در جهت ریشه کن کردن استعمار، استثمار و ستم برداشته باشیم.

محفل امروزی ما شامل مقالات، اشعار و سخنرانی ها است، امید واریم که تا آخر محفل ما را همراهی نمائید.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

۸ مارچ ۲۰۱۵ مطابق ۱۷ حوت ۱۳۹۳

گزارشات

با عرض احترام خدمت حضار گرامی!

تشریف آوری شما را در محفل امروزی خیرمقدم می گویم. امیدوار هستم تا آخر محفل ما را همراهی نمایید.

در نخست می خواهم به فامیل هایی که عزیزان شان را در برف کوچ ها از دست داده اند تسلیت عرض نمایم. این در حالی است که ما در قرن ۲۱ قرار داریم (در ۲۰۱۵).

امریکایی ها و سایر خارجی هایی که اینجا آمده اند لاف می زنند که ما حقوق زن را تامین می کنیم و شما را کمک می کنیم و تا حال ۶۰ میلیارد دالر درینجا خرچ کرده ایم. نتیجه این به اصطلاح کمک ها این است که وقتی کوه چپه می شود مردمان غریب زیر کوه می شوند، برف کوچ که می آید مردم زیر برف می شوند و تلف می شوند. جاپان پر زلزله ترین کشور در جهان است، اما تلفات متوسط سالانه در آن کشور ۵۰ نفر هم نیست. این ۶۰ میلیارد دالر در کجا خرچ شده که ما هر روز هموطنان خود را از دست می دهیم. معلومدار است که نصف پول های آورده شده را خودشان برده اند و نصف دیگرش را هم رژیم دست نشانده ارتجاعی و خاین خورده است و همینطور فلتر شده آمده و به مردم غریب چیزی نرسیده است.

روز جهانی زن را در شرایطی تجلیل می کنیم که رژیم پوشالی پیمان امنیتی را برای مدت طولانی با امریکا امضا کرده و وطن را فروخته است. روز ۸ مارچ را در شرایطی تجلیل می کنیم که زنان در افغانستان روزمره مورد تجاوز قرار می گیرند و روزی نیست که قتل و مثله شدن زنان سرلوحه روزنامه ها نباشد. نمونه اش گزارشات موثقی است که ذیلاً برای شما به خوانش می گیرم:

گزارش اول:

شخصی در هرات به علت فقر و فاقه بیش از حد می خواست تا فرزند چهل روزه اش را بفروش برساند. رحیمه خانمش مانع این کار میشود و این حرکت رحیمه باعث جار و جنجال میان زن و شوهر می گردد. جنجال به آن حدی می رسد که شوهر رحیمه او را کمال بیرحمی و قساوت مورد لت و کوب قرار داده و با چاقو آله تناسلی اش را می برد.

شوهر رحیمه خانم، سه سال قبل خانم دیگرش را با ضرب گلوله از بین برده بود که از سوی نیروهای امنیتی رژیم دستگیر گردیده و تحت توقیف قرار گرفت، ولی بعد از سه سال حبس از محبس هرات آزاد گردید. زندان هرات نه تنها اثرات مثبت روی شوهر رحیمه نگذاشت، بلکه او را معتاد به مواد مخدر نیز ساخت. در حقیقت ارزش زن در رژیم دست نشانده بیشتر از این نیست. اگر زنی شوهرش را به قتل برساند حتما قصاص می گردد و احیانا اگر اعدام نشود بیش از بیست سال حبس می گردد. اما مردی که زنش را بکشد بعد از سه سال از زندان رها می گردد. درین صورت چرا چنین مردی بازهم دست به جنایت دیگری نرند؟

فریبا بها داکتر بخش نسائی ولادی شفاخانه حوزوی هرات می گوید فعلا (بعد از یک شب) وضعیت رحیمه نام بهتر شده و باید تحت مداوای جدی قرار داشته باشد.

حال سوال اصلی اینجاست که چرا شوهر رحیمه می خواسته طفل چهل روزه اش را بفروش برساند؟ جواب این سوال واضح و روشن است. در جامعه که فاصله های طبقاتی در آن روز بروز بیشتر و بیشتر گردد و مردمش زیر خط فقر زندگی را سپری نمایند، توده های زحمتکش اعم از زن و مرد نمی توانند زندگی ای بهتر از این داشته باشند.

گزارش دوم:

همه هموطنان ما چند شب قبل از طریق تلویزیون ها و سایر رسانه های جمعی خبر شدند که یک معلمه در ولایت مزار دختر یکماهه اش را به مبلغ ۲۵۰۰۰ افغانی فروخت تا زندگی چند اولاد دیگرش را نجات دهد. این چهارمین بار است که در ظرف چند ماه در ولایت بلخ این عمل تکرار شده است.

علت این وضعیت اسفناک بازهم بر می گردد به اشغالگران و رژیم دست نشانده که فقر، بدبختی و بیکاری را به حد اعلا آن رسانده اند و روزبروز وضعیت مردم ما بدتر و بدتر میشود.

گزارش سوم:

۱۳ نوجوان از زندانیان "مرکز اصلاح و تربیت" ولایت قندهار خود را به زندان زنانه این ولایت رسانیدند و بالای ۴ زن زندانی تجاوز نمودند. ارگان های دولتی قندهار خواستند که این موضوع را پنهان کنند، اما این موضوع از طرف نیروهای امنیتی فاش گردیده است. گرچه مقامات دولتی ولایت قندهار چندین هفته این قضیه را پنهان نمودند، اما سر انجام قضیه به بیرون درز نمود و رسانه ای شد. این اولین تجاوز به زنان زندانی نیست، بلکه در هر ولایت بطور مرتب و همیشه زنان زندانی مورد آزار و اذیت پرسونل محابس قرار گرفته و قرار میگیرند.

حالا که زندانیان "مرکز اصلاح و تربیت" بطور دسته جمعی بالای زنان زندانی حمله ور میشوند و آنها را مورد تجاوز قرار میدهند، شگفت انگیز است. دقیقاً مشخص میشود که "مرکز اصلاح و تربیت" فقط زندانیان جوان را وحشی تربیت میکند تا طبق خواسته های شوم شان عمل نمایند. شگفت انگیز تر این است که زندان های زنانه و مردانه کاملاً از هم جدا است. پس چگونه این ۱۳ نوجوان توانستند از زندان مردانه بیرون بیایند و خود را به محبس زنانه برسانند و آنها را مورد تجاوز قرار دهند، آن هم در روز روشن؟ مگر تمام پرسونل زندان مرده بودند؟ این عمل نشاندهنده آنست که ۴ زن قربانی اصلاً حاضر نبوده اند به خواسته های شوم رئیس محبس و سایر مسئولین و پرسونل محبس پاسخ مثبت دهند. به همین جهت آنها نقشه را طراحی نمودند تا با اجرای آن، ۴ زن را به اصطلاح گوشمالی دهند، تا منبعده به خواسته های شوم شان تن در دهند. پنهان نمودن این عمل وحشتناک و عدم تعقیب از طرف مقامات مسئول زندان بیانگر آنست که طراح این نقشه، خود پرسونل محبس بوده اند.

گزارش چهارم:

ستم‌دیده و بخصوص زنان ستم‌دیده این دیار باز نشده، بلکه روز بروز توده‌ها به زیر خط فقر کشانده شده‌اند. اشغالگران و رژیم پوشالی به این کارها هم بسنده نکرده‌اند و در این مدت اعتیاد به مواد مخدر، خشونت علیه زنان، تجاوزات جنسی، به قتل رساندن زنان و مثله کردن آنها چندین برابر گردیده است.

ایجاد کننده این وضعیت شدیداً ستمگرانه، رژیم پوشالی و باداران امپریالیستی شان میباشند. در واقع زیر سایه اشغالگران و رژیم مزدور است که اینچنین حادثات و اینچنین اعمال جنایات کارانه رخ می‌دهد. اگر حداقل شرایط کاری برای هر فرد ایت دیار وجود داشته باشد، هیچ پدر و مادری فرزندان خوردسال شان را به فروش نمی‌رسانند.

زنان مبارز و انقلابی کشور باید برای نابودی و ریشه کن کردن این شرایط ناهنجار و این ظلم و بیش از حد که توسط اشغالگران و رژیم پوشالی بر آنها اعمال می‌گردد، به مبارزه مقاوم‌تجویانه برخیزند و با بسیج زنان زحمتکش دوشادوش مردان مبارز و انقلابی تا بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم دست‌نشانده به مبارزات خویش ادامه دهند؛ تا باشد آن روزی فرا رسد که دیگر در این کشور اثری از انواع ستم، خشونت‌های بیش از حد و تجاوزات جنسی گروهی و انفرادی باقی نماند.

به امید چنین روزی.

خشونت و تجاوز به زنان به آن حد رسیده که حتی مقامات دولتی نمیتوانند آنرا کتمان کنند. چنانچه " کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان " معترف است که « در ۹ ماه گذشته ۴۹۵۰ واقعه خشونت علیه زنان در کشور رخ داده است. » یعنی در هر ماه ۵۵۰ واقعه خشونت. این‌ها واقعاتی‌اند که در دستگاه دولتی ثبت گردیده است. بیشترین این واقعات در شهرها و حومه‌های آن اتفاق افتاده است. واقعات که در قریه جات بخصوص در قریه جات دور دست اتفاق می‌افتد، اصلاً به دولت نمی‌رسد، یا کاملاً پوشیده می‌ماند و یا از طریق قومی حل و فصل میگردد.

گزارش پنجم:

شیر احمد مسکونه ولسوالی کهسان، روز یکشنبه ۲۶ جدی ۱۳۹۳ زنش را ذریعه چاقو سر بریده است. گرچه مقامات دولتی مدعی‌اند که فرد مذکور را بازداشت نموده‌اند، اما این قضیه همانند قضیه‌های دیگر به فراموشی سپرده میشود و بالاخره قاتل یا برائت می‌یابد و یا بیشتر از دو - سه سال زندانی نمی‌گردد.

این‌ها همه نمونه‌هایی است از عملکرد اشغالگران و رژیم دست پوشالی در برابر زنان. این است معنی واقعی آزادی زنان در زیر بال و پر اشغالگران.

از زمان اشغال کشور توسط اشغالگران و به کرسی نشاندن رژیم دست‌نشانده شان، علاوه بر اینکه گره‌ای از مشکل توده‌های

ضرورت پیشبرد مبارزات استوار و پیگیر

مرسل "نبرد"

فریب دهند. سپس در زیر پوشش این فریبکاری ستمگری بر زنان را ادامه دهند. در حقیقت محافل تجلیلیه‌ای که از طرف اشغالگران و رژیم دست‌نشانده برگزار میگردد، همگی دارای همین گونه ماهیت فریبکارانه است. از چند جهت:

یک -- حقوق زنان بخش جدایی‌ناپذیری از حقوق مردمان کشور است و در پیوند با سایر بخش‌های حقوق آنها قرار دارد. تجاوز و اشغالگری امپریالیستی استقلال و آزادی ملی ما را از بین برده است. بزرگترین فریبکاری متجاوزین و اشغالگران این است که آنها دم از تامین حقوق زنان می‌زنند و آن را به عنوان روپوشی برای پوشاندن ستم امپریالیستی مورد سوء استفاده قرار می‌دهند. آنها انتظار دارند که زنان افغانستان در بدل این فریبکاری آنها، استقلال و آزادی ملی را به فراموشی بسپارند و در پناه عدم استقلال و آزادی به جستجوی بی‌حاصل حقوق ویژه‌شان بپردازند. از جانب دیگر، رژیم دست‌نشانده ارتجاعی‌ای که محصول تجاوز و اشغالگری امپریالیستی است و در خدمت به ادامه آن قرار دارد، نمی‌تواند علیه ستم بر زن در افغانستان گام‌های استوار بردارد. زنان افغانستان نصف نفوس این کشور را تشکیل می‌دهند و همین نصف نفوس نیز استقلال و آزادی ملی شان را از دست داده‌اند. بالاتر از این ستمی وجود ندارد. با موجودیت این ستم، زنان افغانستان نمی‌توانند به حقوق خود دست یابند.

با عرض سلام خدمت تمامی خانم‌ها و آقایان حاضر در گردهمایی امروز!

فرارسیدن هشت مارچ روز جهانی زن را به همه زنان ستم‌دیده و بخصوص زنان مبارز و به همه مردان طرفدار حقوق و مبارزات زنان تیریک می‌گویم. روز جهانی زن در سراسر جهان تجلیل می‌شود و ما نیز امروز درینجا جمع شده ایم تا از این روز تجلیل به عمل آوریم. تجلیل از روز جهانی زن در حقیقت تجلیل از مبارزات زنان و تجلیل از مبارزات مردان طرفدار حقوق و مبارزات زنان است.

اما تجلیل از این روز نباید به عنوان یک تشریفات خشک و خالی هر ساله در نظر گرفته شود. ما باید متوجه باشیم که با تجلیل صرف از روز جهانی زن، ستم جنسی نابود نمی‌گردد و حتی تضعیف نمی‌شود. برعکس اینگونه تجلیل می‌تواند به عنوان روپوشی در خدمت به ادامه ستم بر زنان، بخصوص اشکال جدید و مدرن آن قرار بگیرد. در جهان امروزی تعداد زیادی از محافل تجلیل از این روز به محافل تشریفات خشک و خالی ارتجاعی و امپریالیستی هر ساله تبدیل شده است. درین محافل بدترین و منفورترین چهره‌ها و دارودسته‌های زن ستیز و ستمگر گرد می‌آیند و در مورد حقوق زنان سروصدا براه می‌اندازند. اما هدف شان پشتیبانی از حقوق و مبارزات زنان نیست. منظور آنها از براه انداختن این سروصداها دو چیز است: در قدم اول می‌خواهند ماهیت ستمگرانه خودشان را بیوشانند و از این طریق زنان را

مقدم قرار داشته باند، بلکه لازم است که در مبارزات انقلابی عمومی نیز در صف مقدم نبرد قرار بگیرند.

شعور سیاسی زنان و دختران چگونه میتواند بطور روز افزون بالا برود؟ یگانه راه بالا رفتن شعور سیاسی مبارزین مردمی، از جمله زنان و دختران مبارز، پیشبرد مطالعات و آموزش های سیاسی و شرکت در مبارزات سیاسی، بشمول مبارزات در راه تامین حقوق زنان، است. به این ترتیب زنان و دختران می توانند هم سطح شعور سیاسی شان را از لحاظ نظری بالا ببرند و هم از لحاظ عملی. یکجانبه گری در مورد آموزش های سیاسی یعنی صرفاً توجه به جنبه نظری و یا جنبه عملی این آموزش ها نمی تواند شعور سیاسی زنان و دختران را بطور موزون رشد دهد و باعث ایجاد ظرفیت های سیاسی پر کیفیت در میان آنها گردد.

در حقیقت نیاز به ایجاد، متشکل سازی و ارتقای روزافزون تشکلاتی مثل "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" از همینجا بر میخیزد. "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" در طی مدت تقریباً ۱۷ سال حیات مبارزاتی خود کوشیده است که طبق توان خود این وظیفه و مسئولیت مبارزاتی خود را بطور موفقانه انجام دهد.

اینکه ما تا چه اندازه ای توانسته ایم در جریان این سالها وظایف و مسئولیت های مبارزاتی خود را بطور موفقانه انجام دهیم، صرفاً مربوط به اراده و عزم خود ما نبوده است. مشکلات ما در پیشبرد مبارزات ما نه تنها مربوط به ناتوانی های خود ما است، بلکه در عین حال مربوط به نیرومندی نظام حاکم مردسالار به سویه کشوری و جهانی نیز هست. اما ناتوانی های ما و نیرومندی نظام حاکم مردسالار ابدی و مطلق نیستند. ما از لحاظ تاکتیکی بصورت بالفعل ضعیف هستیم، ولی از لحاظ استراتژیک بصورت بالقوه توانایی های عظیمی داریم، چرا که برحق هستیم. برعکس نظام مردسالار حاکم از لحاظ تاکتیکی و بصورت بالفعل خیلی نیرومند است، ولی از لحاظ استراتژیک و بصورت بالقوه خیلی ضعیف است و نقاط ضعف بنیادی و اساسی دارد، چرا که برحق نیست. مبارزات ما می تواند - و باید - ما را بصورت بالفعل قوی و نیرومند بسازد و نظام حاکم مردسالار را بصورت بالفعل ضعیف و ناتوان.

مبارزات ما بطور خاص از ضعف کل جنبش انقلابی مقاومخواه افغانستان در مقابل اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده بصورت منفی متاثر گردیده است و تا زمانی که این ضعف وجود داشته باشد کماکان متاثر خواهد شد. بنابراین منسوبین "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" وظیفه دارند که در عین پیشبرد مبارزات خاص خود شان، در مبارزه بخاطر تقویت کل جنبش انقلابی مقاومخواه افغانستان نیز فعالانه سهم بگیرند. نکته بسیار کلیدی برای منسوبین "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" ضرورت جدی بالا رفتن ظرفیت فداکاری آنها بطور روزافزون درین مبارزه است. شکی نیست که هرکدام ما در طول های موجودیت و فعالیت "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" بقدر توان و آمادگی های مان فداکاری کرده ایم. ولی مبارزه، فداکاری های بیشتر و بیشتری میخواهد. بلند رفتن ظرفیت فداکاری های مبارزاتی ما خود دلیل محکمی خواهد بود برای ثبوت پیشرفت و ترقی مبارزاتی ما.

با سپاس از همه تان!

دو -- سیاست های ارتجاع پرور اشغالگران امپریالیست و ماهیت ارتجاعی رژیم دست نشانده باعث میگردد که ساختار اقتصادی - اجتماعی ارتجاعی حاکم بر جامعه کماکان به حیاتش ادامه دهد. در واقع همین ساختار پایه و اساس ستم بر زن را تشکیل میدهد. تا زمانی که این ساختار پابرجا باشد، اساس ستم بر زن در جامعه موجود است و نمی توان این ستم را ریشه کن نمود.

سه -- بخش تعیین کننده سردمداران رژیم دست نشانده را شوونیست های زن ستیز رسوا و کاملاً افشا تشکیل می دهند. تعداد زیادی از اینها به زنان شان حق نمی دهند که در محافل برگزاری هشت مارچ شرکت کنند. بعضی از آنها حتی خودشان نیز در این محافل سهم نمی گیرند. کسان دیگری از آنها که محافل هشت مارچ را گردانندگی میکنند، بجای طرح مسایل مربوط به حقوق زنان در محافل مذکور، هدایای ناچیزی را در میان زنان شرکت کننده در محافل توزیع می نمایند. مثلاً چادرهای خریده شده از پول اشغالگران را در میان زنان شرکت کننده در محافل توزیع می نمایند. اینگونه تطمیع زنان بخاطر کشاندن آنها به محافل دولتی در واقع روا داشتن بدترین توهین در حق آنها است.

بنابراین ما نباید از برگزاری محافل هشت مارچ روز جهانی زن یک تشریفات صرف بسازیم. ما باید این روز را حقیقتاً و بمعنای واقعی کلمه تجلیل نماییم.

اولین شرط تجلیل حقیقی روز جهانی زن این است که ما واقعاً سنگینی و وقار محافل برگزاری هشت مارچ را عمیقاً درک کنیم و قویا به آن احترام داشته باشیم. دومین شرط تجلیل حقیقی ازین روز این است که برای برگزاری هرچه با شکوه تر آن، چه پیش از روز هشت مارچ و چه در روز هشت مارچ فعالانه تلاش نماییم. سومین شرط تجلیل حقیقی از هشت مارچ این است که بعد از هشت مارچ در تبلیغ هرچه وسیع تر محافل برگزار شده کوشش نماییم. چهارمین شرط تجلیل حقیقی از روز جهانی زن این است که بطور دوا دار و استوار مبارزه در راه تامین حقوق زنان تا رسیدن به تساوی حقیقی میان زنان و مردان را پیش ببریم. واضح است که دختران و زنان مبارز باید در تمامی این تلاش ها پیشگام و پیشقدم باشند. همچنان واضح است که بدون تامین شرایط متذکره، تجلیل ما از هشت مارچ یک تجلیل فرمایشی و میان تهی خواهد بود.

اگر ما بطور دوا مدار در راه تامین حقوق زنان مبارزه نکنیم و درین مبارزه استواری از خود نشان ندهیم، مبارزه ما کمتر به نتیجه می رسد و حتی ممکن است هیچ نتیجه ای نداشته باشد. پیشبرد مبارزه دوا مدار و استوار قبل از همه مستلزم بالا رفتن روز افزون سطح شعور سیاسی زنان و دختران است. هر قدر سطح شعور سیاسی زنان و دختران بالاتر رود به همان اندازه آنها خواهند توانست مسئولیت رهبری و هدایت مبارزات شان را خود بر عهده بگیرند. در غیر آن ممکن است سال ها مبارزه کنند ولی نتوانند مسئولیت رهبری مبارزات شان را خود بر عهده بگیرند و در صف مقدم مبارزات قرار داشته باشند. برعلاوه بالا رفتن سطح شعور سیاسی زنان و دختران بطور روز افزون باعث خواهد شد که آنها بتوانند در مبارزات انقلابی عمومی نیز بطور روزافزون پیشرفت نمایند و مسئولیت های بیشتری را بر عهده بگیرند. کافی نیست که آنان صرفاً در مبارزات بخاطر تامین حقوق ویژه شان در صف

این شعر زیبا، توسط خانم جمشیدی یک تن از زنان شجاع سرزمین مان که از ولسوالی ولایت ... به نمایندگی از زنان آن ولسوالی برای شرکت در محفل آمده بود، زمزمه گردید. اشتراک وی برای زنان شرکت کننده در محفل هیجان فراوانی را به بار آورد و مورد استقبال فراوان قرار گرفت، کسانی که در محفل شرکت نموده بودند، پس از محفل تقاضا داشتند تا وی در دیگر محافل آینده "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" نیز شرکت کند و او وعده سپرد که اولاً پیام "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" را به زنان ولسوالی مربوطه خواهد رساند و همچنان در آینده کوشش خواهد کرد به نمایندگی از زنان ستمدیده دیارمان، فریاد رثای هزاران زن ستمدیده ای باشد که سالیان ظلم و ستم را تجربه کرده اند.

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان" قدردانی ویژه اش را از چنین زن شجاعی که در روز برفی و هوای نامساعد آن ولسوالی، عزم و جزم خویش را برای شرکت در محفل با قاطعیت نشان داده است، ابراز میدارد. امیدواریم در آینده سلسله چنین فعالیت ها در سایر نقاط کشور نیز ادامه یابد.

با عرض سلام خدمت شما برادران و خواهران گرامی، من به نمایندگی از خواهران ولسوالی به اینجا آمدم و امیدوارم شعری که میخوانم، مورد پسند شما واقع گردد.

سرود قرن!

مهدی سهیلی

مخوان آواز، ای دختر!

صدای نغمه ی مستانه ات را در گلو بشکن

پسر، آواز عشق انگیز را بس کن

سرود لحظه های کامیابی را به دور افکن

تو ای دختر که شور نغمه از لبهات لبریز است

برای نغمه هایت فکر دیگر کن

تو ای مرد جوان کز کام ها در سینه ات بانگی طر بخیر است

سرود قرن را سر کن

بخوان آواز، اما همراه بانگ دلایزیت

بگوش ما - رسان شبناله های بینوایان را

صدای دردمندان بلاکش را

نوای مبتلایان را

مخوان آواز عشق انگیز ای دختر

اگر آواز میخوانی -

بخوان آواز درد انگیز آن مرد نگو نبختی -

که شب بادست خالی می کند آهنگ کاشانه

و با شرمی غم آلوده -
 بجای نان پپای کودکانش اشک میریزد

و غمگین کودکان او -
 بگردش در تضرع چون کبوترهای بی دانه

توای دختر! برای نغمه ی خود فکر دیگر کن
 سرود قرن راسرکن
 سرود مادری تنها - که دور از روی فرزند است
 سرود مرد بی آرام زندانی -

که با امید دیدار زن و فرزند، در بند است

سرود سرنوشت کودک بی مادری تنها
 که شب با دیدگان اشکیالا میرود در خواب

سرود بینوا طفلی

که باشد خنده اش بی رنگ

دل بی مادرش بیتاب

اگر آواز میخوانی -
 بخوان آواز درد آلوده ی پیران غمگین را -
 که در پیروی تهی دستند -
 نفسهایشان توانا نیست -
 غروب زندگی در چشمشان پیداست
 گه و بیگانه بغضی در گلو دارند -
 کویر زندگی در زیر پا و کوله بار غصه ها بر دوش
 و مرگ خویش را هر لحظه صد بار آروز دارند

اگر آواز میخوانی -
 سرود دختری بی عشق را برخوان
 که در جانش گل عشقی شکوفا نیست
 دلی دارد ولی در چشم این و آن دلارا نیست
 نگاه گرم و دلبندی که جانش را بر افروزد -
 بزیر آسمانها نیست

پسر، آواز را بس کن
 اگر آواز میخوانی -
 بخوان آواز آن بیمار بیکس را -
 که چشم بیفروغ خویش را با انتظاری تلخ
 براه دوستی نادیده میدوزد
 و از تک ضربه های پای هر عابر -
 به امید عیادتها -
 لبان نیم رنگش میشود خندان
 بشوق آنکه با دیدار، شمعی در دل تنگش بر افروزد
 ولی جنبنده ای از حال آن بیمار آگه نیست

اگر آواز میخوانی
 بخوان آواز غمگین یتیمان را
 که همچون طوطی بی نغمه خاموشند
 و بر سر هایشان چتر محبت سایه افکن نیست
 به دلها راه شان بسته است

اگر آواز میخوانی -
 بخوان آواز آن مادر - که از قهر تهیدستی
 یگانه کودکش را بر سر راهی، رها کرده است
 و با چشمان اشک آلود
 سر، سوی خدا کرده است
 و با جانی که بیتابست -
 برای عزت و اقبال فرزندش دعا کرده است
 و باغمهای رنگارنگ -
 سوی خانه میپوید
 بهر گامی نگاهی سوی طفلش میکند غمناک
 و زیر لب همیگوید:
 خدایا، مادری غمگین و تنها، کودکش تنهاست
 دلم را بر غمی سنگین شکیبا کن
 زمین و آسمان را بگو با کودکی تنها مدارا کن

تو ای دختر، سرود قرن را سر کن:
 سرود تلخ آن قومی -

که شهر و خانه شان در زیر پای تانگ میلرزد
و در مرگ جوان هاشان ز خشم و غصه لبریزند
و فرزندان شان چون برگهای زرد پائیزی
ز رگبار مسلسل‌های دشمن، بی گنه بر خاک میریزند

سرود مادری ترسان
که شب هنگام از فریاد بمبی میشود بیخواب
سرود کشته ای در عرصه ی پیکار
که میپوشد کفن بر پیکر او نیمه شب مهتاب

تو ای دختر که شور نغمه از لبهات لبریز ست
برای نغمه هایت فکر دیگر کن
تو ای مرد جوان کز کام ها در سینه ات بانگی طربخیز است
سرود قرن را سر کن

تشر

این شعر در قالب پارچه آهنگی توسط « انیل » دختری هنرمند انقلابی توسط هارمونیم و جوره ئی اجراء گردید.



ما در این گیر و دار آتش و خون
راه دشوار پیش رو داریم
آسمان سنگ اگر ببارد هم
مثل آینه باز خود داریم
راه مان علم و ما مسافر او
جز بدامان علم بستر نیست
راه جویان دانش و علمیم
هیچکس غیر علم رهبر نیست
تابکی سیم خاردار بدست
دور اندیشه هایمان دیوار؟
تابکی هر که گفت آزادی
گردنش می رود به چوبه ای دار؟
پس الا هم‌رهان پیش، پیش
فرصت لحظه ای درنگی نیست
سربکف میرویم سوی هدف
بهتر از رنگ سرخ رنگی نیست

فقط با پیشبرد مبارزات مبتنی بر اراده و عزم متین میتوان به اسارت زنان پایان داد

صدف "پویش"

مرد سالار او را به صورت کالا مورد معامله گری قرار می دهد. تا زمانی که چنین سیستمی در جامعه موجود باشد زنان در موقعیت فرودست جامعه قرار دارند و در مقابل خشونت های سیستم حاکم شکننده اند.

امسال در حالی هشتم مارچ روز جهانی زن را تجلیل میکنیم که زنان سرزمین مان در دیار غربت در اکثریت ولایات ایران مورد یورش و هجوم نیروهای خونخوار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته اند و خانه هایشان به آتش کشیده شده و از خانه و کاشانه شان بیرون انداخته شده اند. آنها یا در اردوگاه های کار اجباری به بردگی کشانده شده اند، یا در دیار خودشان یا در دیار غربت بی پناه و بی سرپناه به سر می برند.

امسال در حالی هشتم مارچ روز جهانی زن را تجلیل میکنیم که حکومت تازه به قدرت رسیده نه تنها قادر به حل معضلات زنان جامعه ما نیست، بلکه بر حضور دراز مدت نیروهای خارجی در کشور مهر صحنه گذاشته و به امضای سند ننگین اسارت و بردگی گردن نهاده و کشور را برای مدت طویل به انقیاد نیروهای اشغالگر قرار داده است.

در مقابل چنین رژیم، زنان گرچه از قدرت سیاسی و نظامی محروم اند، اما می توانند پویا و بالنده باشند، پر انرژی و پر تحرک مبارزه نمایند و مبارزات انقلابی شان کاخ ستم را به لرزه در آورد.

تنها با گسترش مبارزات متشکل و انقلابی زنان و ستمدیدگان جامعه ما است که می توان پیروز شد و به تهاجمات وحشیانه اشغالگران و رژیم دست نشانده ضد مردمی پایان داد.

تنها با مبارزه متشکل و پیگیر و با دور نمای روشن و هدفمند که در سرلوحه اش برچیدن هر نوع ستم و بیدادگری باشد، می توان به شیوه های انقلابی گام برداشت.

زنده باد مبارزات بر حق زنان!

پایدار باد هشتم مارچ روز جهانی زن!

هشتم مارچ بار دیگر فرا رسید. هشت مارچ روز جهانی زن، یادآور مبارزات قهرمانانه زنان کارگر نساجی در نیویورک است که سنگ بنای مبارزه متشکل زنان در ابعاد جهانی را پی ریزی کردند.

امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی زن می رویم که زنان سرزمین ما بخاطر حملات و تجاوزات نیروهای متجاوز خارجی از یک سوی و بیدادگری های قلدردنشان حکومت فعلی که بر درد و رنج و فلاکت مردمان ستمدیده این دیار افزوده اند، از طرف دیگر، متحمل ستم های غیر قابل تصویری شده اند.

جنگ افروزی و اشغالگری سبعانه بیش از ۵۰ دولت خارجی برای کنترل افغانستان و منطقه، تحت بهانه های مختلف و به وجود آوردن حکومت های پویشی که بتواند منافع شان را تضمین کند، زنان کشور و منطقه را در موقعیتی به مراتب سخت تر و حقارت بار تر از گذشته قرار داده است.

چهره خشم آگین زنان افغانستان فریادی است بلند و فراخوانی است مبنی بر اینکه دیگر تحمل این شرایط ممکن نیست و بی تفاوتی در مقابل آن هیچگاه جایز نیست و مبارزه انقلابی و سازمان یافته ای را می طلبد.

ما امروز اینجا جمع شده ایم تا فریاد رسای صدای خفته هزاران زن مظلومی باشیم که در سرزمین ما تحت انواع شکنجه ها جان های شیرین شان را فدا کرده اند.

امسال در شرایطی به پیشواز هشتم مارچ روز جهانی زن می رویم که موقعیت زنان در افغانستان بعد از اشغال توسط قدرت های امپریالیستی نه تنها بهتر نشده است بلکه به وحشیانه ترین شکل بدتر شده است.

امسال در شرایطی هشتم مارچ را تجلیل میکنیم که زنان در کشورهای به اصطلاح پیشرفته سرمایه داری نیز اسیر اشکال دیگری از ستمگری ها بوده و زندگی شان در اشکال دیگری در کنترل سیستم سرمایه داری قرار گرفته است.

وضعیت کلی زنان در سراسر جهان نشان میدهد که زن چه در برقع پوشیده شود، چه مانند کشور های به اصطلاح متمدن سرلوح بیرون آیند، سیستم حاکم

این شعر در قالب دکلمه توسط یک تن از دختران پرشور و انقلابی اجراء گردید.

به نام نامی مردم

به نام نامی مردم

به نام آرزوهای طلایی رنگ نورانی

به تو ای دشمن خونخوار و آزادی

به تو ای عامل بی شرم استعمار

بدون احترام و بی سلام از من

که هستم دختر آزاده افغان

که هستم در حصار محبس تاریک زندان ها

تنم از ضربت شلاق چون آسمان نیلی است

به روی صورتم آثار داغ و ضربه ها پیداست

به جای آب،

جانم از شرنگ مرگ لبریز است

شما جلادها شب را

به زندانم کشانیدید

شما در تیره گی هایش

ربودید از کف من گوهر تابان عفت را

چو سگها وحشیانه حمله آوردید به دامانم

به دست احمقان پست و هر جا هم ملوتم شد

و زندان شما با آنهمه وحشت برای مردمی چون من

حصار و سنگری باشد

که در آن لاله های سرخ می رویند

و از دیوار فولادین آن فریاد خشم ما

به سربازان آزادی توان و روح می بخشد

و این فریاد در گوش شما آهنگ مرگی هست بی تردید

تو ای فرمانروای رهن و ترسو

به جلادت بگو جسم مرا بر دار آویزد

به جلادت بگو یکبار جانم را فدای ملتَم سازد

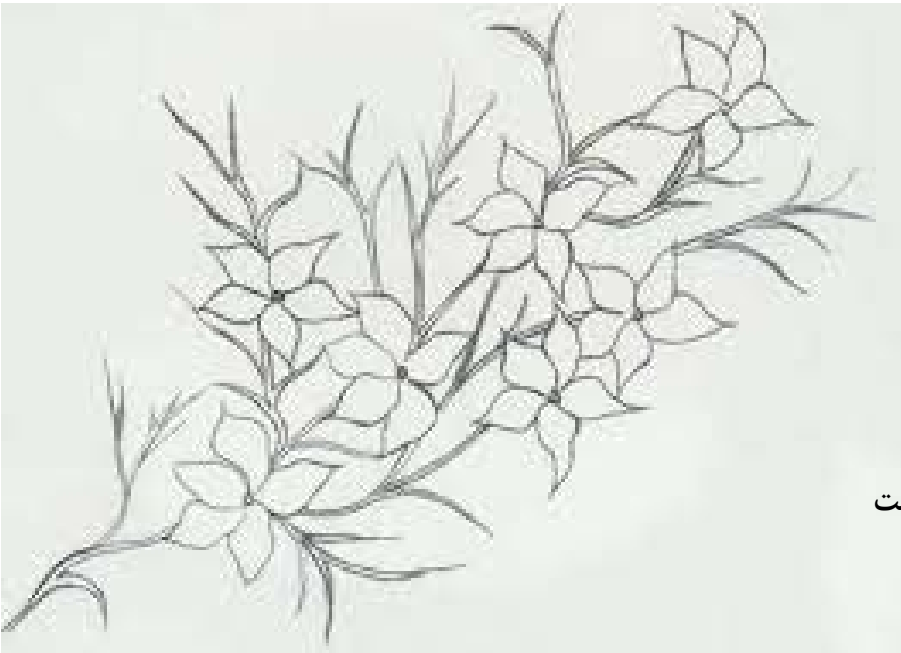
که بعد از مرگ باشم قدرتی در قلب انسانها

که بعد از مرگ نامم زنده تر گردد

نهال آرمانم بارور گردد

چرا چون بید می لرزید





چرا ای بزدلان از خویش میترسید
 که زندانهایتان از مردم آزاده لبریز است
 شما بیهوده میکوشید
 تلاش و عزم ما بالاتر از هر کوششی باشد
 سپاه عقل بر اقلیم ظالم چیره میگردد
 و توای رزل
 و قبل ازینکه کاخ آرزوهایت فرو ریزد
 به جلادت بگو جسم مرا بر دار آویزد
 طناب دار را برگردن یک دختر اندازد
 و اما ملت من گر مدال افتخارم رشته دار است
 من آنرا به دست خود به دور گردن اندازم
 که حق خویش را در پیشگاه تو اداء سازم
 که حق خویش را در پیشگاه تو اداء سازم

متن کامل سخنرانی تهمینه "وفا"

بود که شخصاً خود شاه امان الله خان یک نهضت را تحت نام نهضت نسوان یا جنبش زنان راه انداخته بود. این نهضت به سطح محدود و سطح کوچکی بود و شاه امان الله خان در بین دختران دربار و تا حدی در بین دختران و زنان کابل روی لوچی را رواج کرد.

بعد از سقوط دوره امان الله خان بچه سقاء یا امیر حبیب الله کلکانی روی کار آمد که بسیار مدت کوتاه، مدت ۹ ماه روی قدرت بود. بچه سقاء یا امیر حبیب الله کلکانی چندان علاقه ای به درس بچه ها نداشت چه برسد به درس دختران.

بعد از سقوط دوره امیر حبیب الله کلکانی، نادرخان پدر ظاهر شاه روی کار آمد. درین دوره بعضی پیشرفت هایی در مکاتب پسرانه به وجود آمد، اما در مورد دختران تقریباً هیچ تغییری نیامد.

بعد از نادرخان پسرش ظاهرخان به صدراعظمی کاکایش هاشم خان روی کار آمد. قسمی که در دوره نادرشاه بود، در دوره ظاهرشاه همانطور ادامه یافت، تا بالاخره هاشم خان کاکایش وفات کرد.

پس از وفات هاشم خان، کاکای دیگر ظاهرشاه یعنی شاه محمود به سر قدرت می آید. وقتی که شاه محمود صدراعظم میشود، در وضعیت زنان یک تکان وارد میشود، یعنی بعضی مکاتب دخترانه جور میشود، و البته به سطح محدود.

باعرض سلام و خسته نباشید خدمت همه شما!

فرا رسیدن هشتم مارچ روز جهانی زن را به تمامی زنان جهان بخصوص شما عزیزان تبریک و تهنیت میگویم. خوشحال هستم که خود را در میان شما می بینم و امیدوار هستم تا آخر محفل همراه ما باشید.

قسمی که ما و شما شاهد هستیم، بعد از سقوط دوره طالبان، از سال ۲۰۰۱ بدینسو، قوای اشغالگر امریکا داخل خاک ما شدند و این وطن را اشغال کردند. وقتی که امریکائیان اینجا آمدند یکی از ادعاهای شان این بود که ما دموکراسی را داخل افغانستان می آوریم و آزادی بیان میدهم و مهمتر از آن اینکه ما برای زنان حق و حقوق شان را می دهیم. البته درینمورد کارهایی انجام داده اند. مثلاً مکاتب دخترانه بعد از دوره طالبان باز شد و دختران به تحصیل خود ادامه دادند و بر علاوه کار و مصروفیت ها بیرون از خانه برای زنان و دختران زیادتر شد. اما این قسم هم نیست که تمامی زنان و دختران مثلی که به دوره طالبان بودند، همیشه همانطور بوده باشند و از اول تا آخر همان قسم مانده باشند و ما بخاطر وضعیت کنونی زنان و دختران ممنون احسان امریکائی ها باشیم.

افغانستان تاریخ ۵ هزار ساله دارد. درین تاریخ ۵ هزار ساله وضعیت زنان همیشه یک قسم نبوده است، بلکه در قرون اولیه تاریخ افغانستان وضعیت زنان نسبتاً بهتر بوده است. در تاریخ معاصر کشور، اولین بار در زمان شاه امان الله خان

بعد از مجاهدین، طالبان روی کار می آیند، یعنی امارت اسلامی. وضعیت زنان در همان دوره بسیار بد می شود و مکاتب دخترانه بکلی بسته می شود و دختران و زنان دیگر حق ندارند که بدون محرم شرعی از خانه های شان بیرون شوند. حتی حمام های زنانه بسته میشود و زنان به فجیع ترین شکلش زیر ظلم و ستم قرار میگیرند. همان وقت است که چادری (برقع) پوشی بین زنان زیاد میشود. زنان و دختران وقتی که از خانه می برآمدند، حتی اگر یک ذره پایشان هم معلوم می شد طالبان آنها را شلاق می زدند و انقدر توهین و تحقیر می کردند که آنها دیگر جرئت بیرون برآمدن از خانه را از دست می دادند.

بعد از دوره طالبان امریکائی ها افغانستان را اشغال می کنند و رژیم دست نشانده آنها روی کار می آیند. امریکاییان و رژیم دست نشانده شان ادعا دارند که به زنان حق و حقوق شان را داده اند. شما خودتان فکر کنید وقتی که ما زیر سلطه و زیر تسلط یک کشور دیگر باشیم آزادی داریم؟

ما زن هستیم اما در عین حال، عضوی ازین جامعه هستیم، انسان هستیم و آزادی خود را دوست داریم. ۵۲٪ نفوس افغانستان را زنان و دختران تشکیل میدهند. وقتی که زیر سلطه یک کشور دیگر باشیم از کدام حق و آزادی می توانیم برخوردار باشیم.

این گفته آمریکائی ها قسمی است که در باغ خودما امریکائی ها آمده باشند و برای ما یک چندتا سیب و انگور بدهند و ما بسیار ممنون احسان و سپاسگذار آنها باشیم. غافل ازینکه باغ از خود ماست.

باغ از خودماست، اختیارش هم باید در دست خودمان باشد. نه اینکه آمریکائی ها بیایند و به سر ما حکومت کنند. آنها حق و حقوق ما را گرفته اند و استقلال و آزادی ما را گرفته اند. باز ما ممنون احسان شان هم باشیم؟! سپاسگذارشان هم باشیم!؟

رژیم دست نشانده ای که آنها ایجاد کرده اند روز جهانی زن را تجلیل میکند. افراد رژیم سر استیژها بالا می شوند و گلو پاره می کنند که گویا برای زنان حق و حقوق شان را داده اند. آنها فریاد میکنند که حقوق زنان را تامین کرده اند. ولی برجسته ترین های شان حتی حاضر نیستند نام خانم خود را بگیرند. در چنین صورتی از کدام حقوق دم می زنند؟

رئیس اجراییه رژیم حاضر نیست نام خانم خود را بگیرد، چه رسد به اینکه او را در کار های سیاسی شامل بسازد. تقریباً صدسال پیش امان الله خان بخاطریکه ملکه ثریا را به اروپا برده بود و همایش عکس گرفته بود، سرو صدای زیاد علیه او بالا شد و همین سروصدا یکی از دلایل سقوطش شد. اما در این زمان حتی زنان مربوط به رژیم می گویند که

بعد از وفات شاه محمود، داودخان پسر کاکای ظاهر شاه سر قدرت می آید و صدراعظم میشود. در آن زمان است که مکاتب دخترانه زیاد می شود، کار و وظیفه در بیرون برای دختران پیدا میشود.

بعد از آن که داود خان از صدراعظمی استعفاء میدهد، دوره ده ساله به اصطلاح دموکراسی ظاهرشاهی شروع میشود. در دوره ده ساله دموکراسی ظاهرشاه، زنان به پیشرفت های نسبتاً زیادی دست پیدا میکنند، مکاتب دخترانه زیاد می شود و برای اولین بار است که یکتعداد زنان و دختران در جنبش های سیاسی خارج از دربار فعال می شوند. برای اولین بار در زمان ظاهرشاه است که زنان به حق کاندیدشدن و رای دادن دست می یابند و یک دختر خانم به نام پیغله کبری نوزائی وزیر انتخاب می شود.

به همین صورت ادامه دارد تا بالاخره داودخان بالای ظاهرشاه کودتا میکند و ظاهرشاه از قدرت برکنار میشود. وقتی که داودخان سر قدرت می آید، قدرت خودش را جمهوریت اعلام میکند. در دوره به اصطلاح جمهوریت داودخانی مکاتب دخترانه زیادتر می شود.

بالاخره کودتای ۷ ثور می شود، خلقی ها و پرچی ها قدرت می گیرند و قوای اشغالگر شوری وارد خاک ما میشوند. طبعاً وقتی که خلقی ها و پرچی ها روی کار می آید و قوای "شوروی" داخل خاک می شوند، تمام اقشار جامعه بر علیه اینها و سلطه شوروی دست به مبارزه می زنند و وارد جنگ می شوند. درست است که به زنان اسلحه نمی دهند و آنها را به صحنه جنگ نمیکشاند، اما زنان با کمکهای فراوان شان به مقاومت جنگی ضد "شوروی" در بیرون کشیدن قوای اشغالگر "شوروی" نقش گرفتند. زنان در آن جنگ قربانی های زیادی دادند. مثلاً بیشتر از نصف تلفات انسانی جنگ ضد "شوروی" را زنان تشکیل دادند. خانم ها و دختران زیادی زندانی شدند، مورد تجاوزات جنسی قرار گرفتند و امثال اینها. بالاخره زنان و مردان قهرمان کشور ما موفق شدند نیروهای اشغالگر شوروی را از خاک ما بیرون کنند. وقتی که شوروی ها از خاک ما بیرون شدند مجاهدین روی کار آمدند. می توانیم بگوییم که به یک نحوی وضعیت بد زنان از دوره مجاهدین شروع شد. مجاهدین در همان دوره جنگ ضد "شوروی" مکاتب زیادی را آتش زدند، بخصوص مکاتب دخترانه را. آنها بعد از قدرت گرفتن در ولایات زنان را از وظایف دولتی برکنار کردند. در دوره مجاهدین بعضی از ملاها فتوانامه ای را صادر کردند که زنان و دختران نباید روی شان را در تلویزیون نشان دهند و اگر میخواهند اخبار بگویند باید پشت شان طرف بینندگان تلویزیون باشد و رویشان آنطرف یعنی مردم فقط صدایشان را بشنوند، اما روی شان را نبینند.

شد. آب های وطن ما آنقدر زیاد است که قسمت بیشتر آن مفت و رایگان به بیرون از افغانستان می رود، اما خود ما یک تانکر آب را که یک متر مکعب می شود به ۲۵ افغانی می خریم. اگر به مسافرت برویم مجبوریم یک بوتل آب یعنی یک لیتر آب را به ۲۵ افغانی بخریم. فقط نفس کشیدن ما مانده که پولی شود و اگر این رژیم

و نظام جهانی مدافع این رژیم دیر بماند این کار هم خواهد شد.

رشوت خوری، ظلم و ستم سر زنان و تجاوزات جنسی سر زنان آنقدر زیاد شده که هیچ وقت در افغانستان تا این حد وجود نداشته است. اگر یک شخص فقیر کارش نزد یک مامور دولت بند باشد حتی اگر شب ها و روز ها نزد آن مامور دولت برود و ناله و زاری کند و بگوید که من پولی ندارم، هیچکس با دادش نخواهد رسید مگر اینکه پول را سر میز آن مامور بگذارد.

افغانستان فاسد ترین کشور دنیا گشته است. گاهی در فساد درجه اول می شود و گاهی هم دوم یا سوم. برای ما کدام حق و حقوق را داده اند که اینقدر ادعا دارند؟ ما هم دوست داریم که در مورد کشور خود، خود ما تصمیم بگیریم. اصلاً به امریکا چی که می آید به کشور ما و برای ما تصمیم میگیرد. از آن سر دنیا آمده و میگوید که باید ما چه کار کنیم و چه کار نکنیم و زنان افغانستان چه بپوشند. آیا ما در مسائل داخلی امریکا مداخله کرده ایم؟ آیا ما به زنان امریکایی گفته ایم که باید چه قسم باشند و چه قسم نباشند؟ نه، نکرده ایم و نه گفته ایم.

جامعه ای که زیر استعمار یک قدرت خارجی باشد و قدرت خارجی ای برایش تصمیم بگیرد، بهتر ازین نمیشود. وقتی آدم در این مورد فکر میکند واقعا ذهن آدم تحریک میشود و وادار به مبارزه میشود. ما آینده سازان این وطن هستیم، پس باید بپا بخیزیم و مبارزه کنیم. تا کی باید یک کشور دیگر برای کشور ما تصمیم بگیرد که کشور ما چه کند و چه نکند. به قول شاعر مشهور اقبال لاهوری:

خدا آن ملتی را ســـــروری داد

که تقدیرش بدست خویش بنوشت

با آن کشور سر و کاری ندارد

که دهقانش برای دیگران کشت

آقای عبدالله باید نام خانم خود را بگیرد، ولی او حاضر نیست نام خانم خود را بگیرد. همین شخص سر استیژ بلا می شود و از حق و حقوق کدام زنان حرف میزند. به همین خاطر است که با وجود لاف های امریکایی ها در مورد حقوق زنان، وضعیت زنان در افغانستان روز بروز بدتر شده می رود.

شما از کلان هایتان، از پدر و پدر کلان های تان، پرسان کنید که کدام وقتی سر طفل پنج ساله در افغانستان تجاوز شده بود؟!

اینها کدام حق و حقوق برای ما داده اند که سر طفل پنج ساله ما تجاوز میشود و سر مرده ما تجاوز میشود و مرده های ما دیگر در امن نیستند. کدام حق؟ کدام حقوق؟ اینها به ما حق داده اند؟ روز بروز جامعه ما را فاسدتر و فاسدتر می سازند. در فساد اداری به درجه اول قرار داریم. بد اخلاقی در جامعه آنقدر زیاد شده که دخترها در طب تحصیل می کنند اما فامیل های شان اجازه نمی دهند که در شفاخانه ها کار کنند. آنها ناچار می شوند بجاز طبابت معلمی کنند زیرا وضعیت شفاخانه ها آنقدر خراب است که فامیل ها جرئت نمی کنند به دختران شان اجازه دهند که در شفاخانه ها کار کنند.

اینها ادعا دارند که ما به زنان حق و حقوق داده ایم. من یادم نمی آید که جنایات این دوره در سابق وجود داشته بوده باشد. دورتر نمیروم، در دوره طالبان زنان به بدترین و فجیع ترین شکل زیر ظلم و ستم بود، اما در همان دوره شنیده نشد که طفل پنج ساله مورد تجاوز قرار گرفته باشد. اما این رژیم فاسد و این حکومت فاسد زمینه این فساد را نیز مساعد ساخته است.

زنان نصف نفوس این کشور هستند. زنان حق به هر چیز این کشور حق دارند. دور تر نمیرویم. این رژیم و این امریکایی ها نه تنها وضعیت زنان را بلکه وضعیت بچه های جوان ما را هم بدتر ساخته است. به هرات نمی فهمم، اما به کابل و سمت شمال بچه بازی آنقدر زیاد شده که فاحشه خانه های بچگانه ساخته شده و بالای بچه های کم سن بزنس می کنند و تجارت می کنند. توریست ها که از خارج می آیند یکی از مناطق توریستی شان همین فاحشه خانه های بچگانه است. به این ترتیب حالا نه تنها دخترهای ما بلکه بچه های ما هم در امن نیستند.

کشور ما از لحاظ نفت گاز و منابع طبیعی دیگر یک کشور ثروتمند است. اما متأسفانه از لحاظ اقتصادی آنقدر ضعیف هستیم که تعداد زیادی از خانواده های ما شبها نان خشک هم برای خوردن نداشته باشند. یکی از مثال های بسیار بارز برق و آب است که از خود کشور ماست. افغانستان آب فراوان دارد، ولی قیمت آب نوشیدنی روز بروز بیشتر می

این شعر در قالب پارچه آهنگی توسط « انیل » دختری هنرمند انقلابی توسط هارمونیم و جوهره ئی اجراء گردید.

دنیاست و خوب دنیا لیکن وفا ندارد
دارد چو بی وفایی یک آشنا ندارد

دنیاست

هرچیز در شکستن آواز می برآرد
اما شکست دل ها هرگز صدا ندارد

دنیاست و خوب دنیا لیکن وفا ندارد
دارد چو بی وفایی یک آشنا ندارد

دنیاست

شخصی که بینوا شد خانه بدوش گردد
در هر کجا که باشد بیچاره جا ندارد

دنیاست و خوب دنیا لیکن وفا ندارد
دارد چو بی وفایی یک آشنا ندارد

دنیاست

افتاده عشق را بالای خاک دیدم
گفتم به این ادیبی یک بوریا ندارد

دنیاست و خوب دنیا لیکن وفا ندارد
دارد چو بی وفایی یک آشنا ندارد

دنیاست



مطالب مطرح شده و اشعار دکلمه شده در محفل دوم توسط مجری برنامه:

اشغالگران امریکایی از تامین حقوق زنان دم می زنند، ولی آنها چگونه حکومتی را درینجا ساخته اند؟ حکومت دست نشانده را. اینها همان حکومتی را درینجا ساخته اند که حتی مقامات درجه اول آن در زمان جنگ ضد "شوروی" مکاتب دخترانه را آتش زدند و زنان را به قتل کردند و حتی اجازه ندادند که در جنگ ضد "شوروی" سهم بگیرند. از نظر آنان وظیفه زنان در آن جنگ فقط این بود که لباس بشویند و غذا برای مجاهدین تهیه کنند. آنها در همان زمان هم ضد زن بودند و حالا نیز ضد زن هستند.

یکی از نمونه هایش را برای شما بگویم: در انتخاب دور دوم ریاست جمهوری رژیم دست نشانده، آقای محقق نیز خود را کاندید نموده بود. خبرنگاری از این کاندید ریاست جمهوری رژیم پرسید که آقای محقق شما در باره حقوق زن چه نظر دارید؟ جواب آقای محقق این بود که زن حقوق دارد. طبعاً زنان حق نان خوردن دارند، حق راه رفتن دارند و حق نفس کشیدن هم دارند. خبرنگار دوباره از او پرسید که آقای محقق بعضی ها می گویند که آقای محقق در باره حقوق زن چه نظر خواهند داشت وقتی که خودشان چهار زن دارند؟ آقای محقق جواب می دهد که نه من چهار زن ندارم، سه زن دارم. البته فعلاً آقای محقق چهار زن دارند. یعنی یک کاندید سابق ریاست جمهوری رژیم دست نشانده یک مرد چهارزنه است. نمونه دیگرش موضوع پل هوایی در چوک شهر نو هرات است. مقامات بالایی این ولایت اجازه ندادند که این پل هوایی ساخته شود، در حالیکه پل هوایی در خود عربستان سعودی هم هست.

صدها فاحشه خانه در کابل جور شده و توسط آن تجارت می کنند. حکومت موجود چگونه حکومتی است؟ آیا این حکومت جمهوری اسلامی است؟

بنابراین زنان افغانستان در تجلیل از ۸ مارچ نباید هیچگونه چشمداشتی از رژیم پوشالی داشته باشند و باید خودشان مستقلانه این روز را تجلیل نمایند. وقتی ما ۸ مارچ را تجلیل می کنیم باید خود ما خوب تیاری و آمادگی داشته باشیم و بهانه نکنیم. چون این حق ما است و خود ما باید حق خود را بگیریم. حق داده نمی شود بلکه گرفته می شود. بعد از اینکه ما آمادگی گرفتیم باید کوشش کنیم که محفل خود را هر چه با شکوه تر بگیریم. وقتی که محفل خود را گرفتیم باید سنگینی و وقار محفل خود را عمیقاً درک کنیم. شرط دیگر این است که وقتی محفل تمام شد رفته بخانه نشینیم بلکه باید برای تبلیغ وسیع آن تلاش و کوشش کنیم. من مطمئن هستم که هر فردی از شما که درینجا حاضر هستید، حتماً با تکنالوژی روز و سایت های انترنیتی آشنایی دارید. به همین خاطر می توانید این محفل را بصورت وسیع تبلیغ نمایید. شرط دیگر این است که وقتی از هر لحاظ پوره بودیم باید دوامدار و استوار مبارزه کنیم. معلوماتار تا وقتی که ما شعور سیاسی خود را ارتقا ندهیم دوامدار مبارزه کرده نمی توانیم. باید شعور سیاسی خود را بالا ببریم و مطالعه کنیم و در عین حال در فعالیت های عملی مبارزاتی فعالانه سهم بگیریم. به عبارت دیگر باید شعور سیاسی خود را هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی بالا ببریم. وقتی که موازنه میان فعالیت های نظری و عملی برقرار نباشد، نتایج مبارزه خوب نخواهد بود.

در حقیقت فقط با پیشبرد مبارزه است که می توانیم نظرات خود زنان و دختران را بصورت وسیع تغییر دهیم. مثلاً در همین جامعه فعلی ما، دخترانی که پول خرید شان نسبت به پول خرید سایر دختران بیشتر باشد خود را نسبت به سایرین بالاتر می گیرند. ما زنان و دختران مثل گاو و گوسفند فروخته می شویم و باید در برابر این ظلم کلان ایستادگی کنیم. این رسم برده دارانه در میان تمامی ملیت ها و مناطق کشور وجود دارد و بنام های "ولور"، "کله"، "پیشکش"، "شیربهاء"، "طولیانہ"، "قلین" و غیره یاد می گردد.

یا مثلاً بسیاری از زنان و دختران چادری (برقع) می پوشند، در حالیکه چادری پوشی یا برقع پوشی حتی از لحاظ شرعی یک زیاده روی محسوب می شود. ما زنان و دختران باید علیه آن ایستادگی کنیم. چادری (برقع) پوشیدن را حتی همین رژیم فعلی هم اجازه می دهد و مانع آن نمی شود. باید به زنان و دختران چادری (برقع) پوش بگوییم که خودشان در مورد حقوق خودشان حداقل مرتجع تر از رژیم دست نشانده نباشند.

بشکن سکوت را

بشکن سکوت را

فریاد کن

فریاد با صدای رسایی که هیبتش

ویران کند بنای ستم را از این زمین

تا بشکند طلسم شب از آسمان ما.

بشکن سکوت را

اینجا سکوت نیز تحمل نمیشود

آن خاطرات تلخ

هرگز نمی رود
 از خاطر زمان
 مردی که سالها فریاد می نمود
 برخیز ای ستمکش در بند زور و زر
 از دست و پای خود زنجیر را برای همیشه بگسلان.
 فریاد های او
 بارقه ی امید بر پا نموده بود
 اما
 پس از سکوت
 پس از اندکی سکوت
 غولان زور و زر
 زنجیر بست و برد
 شاید که زنده زنده مغز سرش را بیرون کشید
 از قبر او نشانی امروز گرچه نیست
 اما فریاد های او
 مانند شعله ی سر میکشد هنوز
 اندیشه ی رهایی او، تا که زندگیست
 در هر زمان، در هر زمین
 خواهد که بر کند دیوار ظلم را
 بشکن سکوت را!
 تنها ترین مسیر بقا
 این شکستن است!

در شرایط کنونی، زنان افغانستان به اثر تجاوزات بی شرمانه اشغالگران و رژیم میهن فروش از اولیه ترین حقوق دموکراتیک خود محروم هستند. گویی که در جامعه افغانستان زنان در اعماق تاریخ گرفتار اند. جان سختی ستم بر زنان نه تنها در زیر بنای جامعه، بلکه در تاروپود فرهنگ، سنن و قوانین حاکم بر جامعه تنیده شده است.

ستم بر زنان به آن حدی رسیده که هیچکس به شمول میهن فروشان و رسانه های وابسته به اشغالگران نمیتوانند منکر ستم بیش از حد بر زنان در جامعه ما گردند. در این مورد بسا نوشته ها و سخنرانی های غرا ارائه گردیده است. یک عده معتقد اند که این ستم ناشی از فرهنگ مرد سالار در جامعه است، عده ای قدرتگیری جهادی ها را دلیل اصلی ستم بر زن میدانند و عده ای عدم اجرای "قانون اساسی" رژیم را که خود ساخته و پرداخته اشغالگران است عامل اصلی ستم بر زن میدانند. خلاصه هر کس بر حسب دیدگاهش به ستم جنسی مینگرد و در جستجوی راه به اصطلاح خودش برای بیرون رفت از این معضل هست.

اغلباً تجزیه و تحلیل موضوع ستم بر زنان بر چارچوب روبنای جامعه مورد دقت قرار میگیرد، یعنی در چارچوب ایدئولوژی، فرهنگ و قوانین؛ در حالیکه ستم بر زنان در حیطه روبنا بصورت عریان عمل نموده و برجسته می باشد. این تحلیل ها و بررسی ها هیچگاه نمیتواند راه حلی برای رهایی زنان ارائه نماید و جنبش زنان را به پیروزی سوق دهد. نیرو ای میتواند راه حل درستی برای رهایی زنان از ستم ارائه نماید که قادر باشد تحلیل همه جانبه و ریشه ای از مسئله ستم بر زن داشته و برای متحقق ساختن آن مبارزه اصولی و پیگیر نماید.

زن

با اینکه تو درگیر درد سوختن هستی
 با اینکه در دنیای نامردان تو زن هستی
 شلاق نامردی به روی صورتت آید
 آماج رنج بی شمار تاختن هستی
 اندام نرم و نازک تو جرم سنگین است
 حقدار انواع ستم ها و زدن هستی
 در دادگاه مورد مثله می شوی هر روز
 محکوم بر خاموشی و لب دوختن هستی
 با اینکه مادر هستی، خواهر هستی و همسر
 هر لحظه ی عمرت شکار سوختن هستی
 می سوزی از ظلم و رنج مرد سالاری
 در گیر درد و رنج های خویشتن هستی
 وقتی که پای مادر میهن به میدان است
 تو پاسدار و پاسبان این وطن هستی
 با این همه دردی که روی شانه هایت هست
 زیباترین گل، گل نه، سرو این چمن هستی
 وقتی که دست آسمان از خون تو رنگ است
 سهم تو از روی زمین هر ذره اش سنگ است
 وقتی شکار لذت و خودخواهی مردی
 وقتی که از دنیا و از خود نیز دل سردی
 وقتی که گوش و چشم این دنیا کر و کور است
 وقتی دلیل برتری مردها زور است
 آب از سرت بالا شده عصیانگری کن
 قدرت بگیر، انکار از این برتری کن
 حالا بیا و آستین بالا نما خواهر
 ظلم و ستم را در زمین بالا نما خواهر
 یوغی که روی گردنت انداخته بشکن
 هرکس برایت این قفس را ساخته بشکن
 ترس و هراس ظالمان را از دلت گم کن
 بر هرچه ظلم و ظالم و ظلمت تهاجم کن
 ظلم و ستم را یکسره برکن تو از ریشه
 غیر ازین بر فرق تو دایم بود تیشه
 طرح نظام نو درین عالم بپا کن
 دنیای نو برجای این دنیا بنا کن

چهارده سال از اشغال کشور و سقوط امارت اسلامی طالبان می گذرد. گر چه ظاهراً زنان می توانند بدون محرم شرعی از خانه بیرون آیند و دروازه های مکاتب به روی دختران باز گردیده است، اما هنوز در وضعیت زنان نه تنها بهبودی حاصل نگردیده، بلکه زنان نسبت به گذشته در وضعیت بدتری قرار گرفته اند. دختران جوان و زنان عموماً با ازدواج های اجباری، خشونت های خانوادگی (از لت و کوب گرفته تا قتل و مثله کردن)، اختطاف و تجاوزات جنسی روبرو اند. امروز هیچ زنی نمی تواند حتی در آپارتمان ها احساس امنیت نماید، چه رسد در بازار و کوچه. زنان از این ناحیه بیش از حد زیر فشار قرار دارند. مسئول این جنایات کسانی اند که در ظرف چهارده سال در راس مقامات بلند رژیم قرار داشته و دارند و اوضاع کشور را کنترل می نمایند.

نباید فراموش کرد که خشونت علیه زنان تنها از طرف خانواده اعمال می گردد، بلکه از طرف جامعه و دولت نیز این خشونت اعمال می شود. رژیم پوشالی افغانستان که حامی سیستم مرد سالار است به شدت از این سیستم حمایت می نماید. از نظر رژیم پوشالی و قانون ساخته و پرداخته اشغالگران زنان باید مطیع و فرمانبردار مردان بوده و در برابر شان تمکین نمایند. این موضوع به صراحت در قانون احوالات شخصیه اهل تشیع، که نود و هفت فیصد مورد تأیید اهل تسنن نیز می باشد، بیان گردیده است.

اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی تنها به این ستم بسنده نکرده بلکه شرایط زندگی را بر توده های ستمدیده اعم از مردان و زنان آنقدر سخت نموده اند که مجبور به فروش کودکان خود اعم از دختر و پسر گردیده اند. خرید و فروش کودکان همین اکنون در بسا ولایات افغانستان رایج شده است. بیشتر از همه در شینوار کود کان و زنان در معرض خرید و فروش قرار می گیرند.

امروز زنان به شدیدترین وجه در جهان زیر ستم قدرت های سیاسی قرار دارند و هر آن و لحظه با این قدرت های سیاسی روبرو اند، لذا جنبش زنان نمی تواند اجباراً خصلت سیاسی خلاف سیاست حاکم مرد سالار پیدا نکند. تا زمانی که جنبش زنان در کشور ما خصلت سیاسی خلاف سیاست اشغالگران و رژیم پوشالی پیدا نکند نمی تواند در راه رهایی حقیقی زنان گام بردارد.

زنم من یک زن تنها و غمگین	بود نقشم در هر حال تمکین
اسیر و خسته و افسرده حالم	نمی یابم ز درد و غصه تسکین
اگر شرمنده باشم خواستنی ام	اگر همت کنم گردم چه ننگین
زبان بندم اگر، خوبم نکویم	شوم من اینچنین معشوق سنگین
چو تابع می شوم عزت فزایم	چه هستم این من بیچاره مسکین
جزا یابم اگر گردن فرارم	سزوار عقوبت های پر کین

نشاید اینچنین بیچاره بودن	نباید اینچنین غمباره بودن
بیا خواهر که با هم ما بگردیم	یکی خشم و یکی آوا بگردیم
من و تو دیگری و دیگرانی	شویم جمله سپاه بی کرانی
ز خشم خود ستمگاران بسوزیم	شیاطین را به تیر کین بدوزیم
جهان پر ستم بر باد سازیم	جهان عدل و داد آباد سازیم

ممکن است روزی بیاید که ما بوتل آکسیجن به پشت خود داشته باشیم و برای تنفس کردن هم پول بپردازیم، فعلاً که آب خوردن پولی شده است. اگر نظام امپریالیستی در جهان سرنگون نشود، امپریالیست ها کنترل تنفس مردم را هم بدست خودشان خواهند گرفت.

بشکن طلسم ظلم را

با دردها عادت مکن، آواز شو، فریاد شو
خط چلیپا کش به غم، از قید و بند آزاد شو
برخیز و بشکن این قفس، نیم زمین مال تو است
نیم قشنگ آسمان بهر پر و بال تو است
نیم زمین مال تو است اما تو هستی بی خبر
بیدار شو، بیدار شو، خفتن کجا دارد ثمر؟
کاری نخواهد بر شود از گریه و از اشک ها
هرگز نگشته کارگر بر مشکلی فریادها
برخیز! جای اشک غم، بر روی دنیا خنده کن
یک راه نو را باز کن، یک خیزش سازنده کن
هرگز بجز درد و ستم یک لحظه شادی دیده ای؟
با میل خود، از عمق دل یکبار هم خندیده ای؟
با مشت بر غمها بزن، یک لحظه ی شادی نما
دنیای نو ایجاد کن تمرین آزادی نما
بشکن طلسم ظلم را، بشکن همه زنجیر را
با دست خود ترسیم کن آغاز یک تقدیر را
ظلم و ستم را نه بگو، یک راه نو آغاز کن
در آسمان سهم خود تا اوج ها پرواز کن
در شهر گلها گل بمان، با سنگ فکران سنگ شو
وقتی که حق میخواستی درگیر رزم و جنگ شو
تا از شعاع رزم تو دنیا پر از شادی شود
کاخ ستم ویران شود، محصول آزادی شود

رژیم دست نشانده اشغالگران در افغانستان یکی از فاسد ترین رژیم های دنیا است. کرزی آشکارا می گفت که تا ۲۰ میلیون دالر اختلاس و چور و چپاول را تحمل می کند. وی در مورد یکی از چپاولگران در یک مصاحبه تلویزیونی آشکارا می گفت که: «او برادر ۵ میلیون را زدی من چیزی نگفتم. ۱۰ میلیون را زدی باز هم چیزی نگفتم. پانزده میلیون را زدی باز هم چیزی نگفتم. ۲۰ میلیون را زدی

باز هم چیزی نگفتم. بعد ازین نمی گذارم. بالاتر از ۲۰ میلیون اجازه نمی دهم. چه حال به وجود آورده اید؟»

۱۰ میلیارد دالر پول افغانستان و سرمایه افغانستان در دویی در فعالیت های تجارتي بکار افتاده است. کرزی در یکی از سخنرانی هایش می گفت: «او برادرها زهر جان تان شود. پول هایی را که می خورید حداقل در افغانستان بگذارید. در همین کابل بلند منزل بسازید تا حداقل یک گوشه شهر مقبول شود.»

حکومتي که فعلاً در افغانستان حاکمیت پوشالی دارد از الف تا ی اش را مرتجعین خاین و جنایتکار تشکیل می دهد.

به پیش در راه آزادی

فغان و ناله و زاری

دیگر بس کن تو ای مادر

تو ای بانو تو ای همسر.

بگیر مادر تو دستم را

بشو با من تو یک همراه

یقین دان اینکه راه من

رهیست بی مثل و بی همتا.

بیا با من تو ای خواهر

به پیش در راه آزادی

ملالی سان و چون ناهید

که بادا زنده نام شان

که بادا زنده یاد شان

که بادا زنده یاد شان.



در اخیر برنامه محفل دوم، قطعنامه مشترک محافل هشتم مارچ به خوانش گرفته شد، که این قطعنامه در اخیر این شماره درج میباشد.

اختتامیه محفل توسط مجری برنامه:

یکبار دیگر روز هشتم مارچ، روز جهانی زن، را به تمامی زنان و مردان مبارز و انقلابی جهان تبریک و تهنیت بگوییم و از شما عزیزان که ما را تا آخر محفل همراهی نمودید اظهار امتنان و تشکر نماییم. امیدواریم که با شما و شانه به شانه شما بتوانیم وظیفه و رسالت تاریخی مان را به وجه احسن انجام دهیم و مصدر خدمات شایانی در جهت رهنمایی توده های ستمدیده اعم از زنان و مردان در راه بیرون رفت از زیر بار ظلم و ستم گردیم.

محفل امروزی ما در همین جا به پایان می رسد. به امید دیدار در محفل های هر چه با شکوه تر آینده. با اظهار تشکر و سپاس از تمامی شما عزیزان، ختم محفل امروزی را اعلام میکنم.

افتتاحیه

زندگی آخر سراید بندگی در کار نیست

با حقارت گر ببارد بر سرت باران در

بندگی گر شرط باشد زندگی در کار نیست

آسمان را گو برو بارندگی در کار نیست

سخن از ستم باید گفت و جلوه های گوناگونش را افشا باید کرد. سخن از ستمگران باید گفت و نقاب ها از چهره های شان باید درید. سخن از ستمدیگان باید گفت و آنان را از ستم و ستمگران و ستم رسیدگی خود شان واقف ساخت.

ستم بر زن تاریخ طولی دارد، به اندازه کل تاریخ و جوامع طبقاتی از نقطه ابتدای برده داری تا انتهای سرمایه داری در عصر کنونی.

ستم بر زنان دارای سابقه تاریخی بس طولانی است. از همان زمانی که با از میان رفتن سیستم کهن کمونی، طبقات و مالکیت خصوصی در جوامع بشری به وجود آمد، نظام مادر سالاری از میان رفت و با پیدایش مرد سالاری و سلطه مردان بر زنان، ستم بر زنان آغاز گردید.

ای سرو برازنده باغ وطن ای زن

ای مادر افتاده بر مام وطن ای زن

بر خیز و زفریاد جهان را تو خبر کن

کاخ ستم از بیخ بکن زیر و زبر کن

وی شمع فروزنده هر انجمن ای زن

بگشای پروبال و قفس بر شکن ای زن

وز نعره رزمنده همه را گوش تو کر کن

این است پیام من و ختم سخن ای زن

حضار و دوستان نهایت گرمی قبل از همه تشریف آوری شما دوستان و عزیزان را خوش آمدید گفته روز هشتم مارچ روز جهانی زن را به تمامی زنان افغانستان و جهان تبریک میگویم.

دوستان، خواهران و برادران! محفل امروزی ما به خاطر تجلیل از روز جهانی زن بر گزار میگردد.

ای زن هشت مارچ تبریک!

ای مادرا!

ای که سالها ستم دیده یی و رنج کشیده یی!

به تو نیز هشت مارچ تبریک!

ای خواهری که زنجیر های ستم را با خود حمل میکنی!

ای که آرزو داری سر بلند و پر افتخار زندگی کنی!

به تو نیز هشت مارچ تبریک!

ای دختری که آرزو داری،

فردایی خوب داشته باشی،

میهن آزاد داشته باشی،

دیگر مثل مادرت ستم نکشی،

مثل او درد و رنج نبینی،

به تو نیز هشت مارچ تبریک!

ای زن مبارزا!

که در راه آزادی زنان مبارزه میکنی،

به تو نیز هشت مارچ تبریک!

ای زن!

ای خواهر!

ای مادر!

که هم اکنون با شما مخاطبم،

به شما نیز هشت مارچ تبریک!

بر خیز ای زن!

طنین صدایت را می شنوم که بر جهان لرزه می افکند.

روز جهانی زن را،

روز هشت مارچ را،

به تمام زنان و مردان،

به زنان و مردان آزادیخواه،

تبریک و تهنیت میگویم.

ضرورت پیشبرد مبارزات پیگیر و همه جانبه

اش نظر به توان خویش کارهای زیادی نموده است. ولی این کارها با توجه به وضعیت نا بسامان کشور و زنان کشور به هیچ وجه کافی نبوده و نیست. باید بیشتر از این کار صورت بگیرد و بر علاوه باید مبارزات مانرا منظم تر و منسجم تر به پیش ببریم.

مثلاً بر علاوه روز هشتم مارچ، جلسات و نشست های دیگری نیز داشته باشیم، سطح آگاهی مانرا در خصوص حقوق زنان بالا ببریم، از مسایل سیاسی کشور و جهان خود را باخبر بسازیم، در بین زنان جامعه خصوصاً زنان مربوط به طبقات پایین جامعه و زنان روستائی که از ستم چند جانبه رنج میبرند کار نمائیم، دوشادوش سایر نیروهای انقلابی در مبارزات روزمره خصوصاً مبارزات زنان شرکت عملی داشته باشیم و ...

قبل از همه تشریف آوری دوستان را در محفل امروزی خوش آمدید گفته و روز هشتم مارچ، روز جهانی زن، را به حاضرین در تالار و تمامی زنان افغانستان و زنان جهان تبریک میگویم.

دوستان عزیز! اکنون مقاله کوتاهی را که به مناسبت روز جهانی زن تهیه دیده ام خدمت شما تقدیم میدارم.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان همه ساله در نقاط مختلف کشور و همچنان در خارج از کشور، از روز هشتم مارچ روز جهانی زن تجلیل به عمل می آورد. به نظر من اگر ما مبارزه برای آزادی زنان را صرفاً به این خلاصه کنیم که سال یکبار گرد هم جمع شده و از روز هشتم مارچ تجلیل به عمل آوریم و بعد از آن هر کس دنبال کار و زندگی اش برود کاری را برای آزادی کشور و آزادی زنان از پیش برده نمی توانیم.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان در طول دوران مبارزاتی

به پیش به سوی آزادی کشور و زنان کشور!

تاریخچه مبارزاتی دسته هشت مارچ زنان افغانستان

رژیم دست نشانده، در پهلوی رژیم نشانده قرار گرفتند. تنها کاری را که آنها در لوی جرگه ها و پارلمان رژیم توانستند انجام دهند این بود که صدای اعتراض علیه بنیاد گرایی را بلند نمایند و عملاً مبارزه علیه بنیادگرایی را عمده بسازند. آنها با ادعای اینکه موجودیت بنیادگرایان و جنایتکاران مشروعیت لوی جرگه ها و پارلمان را زیر سوال می برد، به مشروع بودن پارلمان رژیم دست نشانده در یک کشور اشغال شده مهر تأیید گذاشتند. وقتی کشور تحت اشغال باشد و رژیم دست نشانده اشغالگران بر آن حاکمیت پوشالی داشته باشد، چه فرقی می کند که چه کسانی در لوی جرگه ها و پارلمان رژیم باشند؟ معنای این بیانات این است که اگر در لوی جرگه ها و پارلمان چنین رژیمی جنایتکاران و بنیادگرایان نباشند گویا لوی جرگه ها و پارلمان می تواند مشروعیت داشته باشد!

اینها حتی در انتخابات ریاست جمهوری رژیم شرکت کردند و عملاً به نفع کرزی، این شاه شجاع سوم، کمپاین انتخاباتی براه انداختند و احزاب راجستر شده تشکیل دادند. اینها ادعا دارند که زیر بیرق احزاب راجستر شده و در پارلمان به کار توده یی پرداخته و ماهیت رژیم را از تریبون خود رژیم افشا نموده اند. آیا توده ها در پارلمان هستند؟ آیا کار توده یی در زیر بیرق حزب راجستر شده، که قانون اساسی رژیم دست نشانده را قبول کرده و به رسمیت شناخته است، برای بسیج توده ها در امر پیشبرد مقاومت ملی و مردمی و انقلابی امکان دارد؟ آیا افرادی که زیر بیرق حزب راجستر شده جلب و جذب می شوند به درد مقاومت ملی مردمی و انقلابی می خوردند؟ نه خیر!

دسته هشت مارچ زنان افغانستان از همان ابتدای تجاوز اشغالگران و شکلگیری رژیم دست نشانده، با دید روشن از وضعیت موجود و با تعیین مواضع اصولی در مسیر درست انقلابی، اعلام نمود که دشمن عمده کنونی کشور و مردمان کشور و در نتیجه دشمن عمده زنان افغانستان، اشغالگران و رژیم دست نشانده است. دسته هشت مارچ زنان افغانستان از آن زمان تا حال عمدتاً در داخل کشور و همچنان در خارج از کشور به اندازه توان علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده و پوشالی، به عنوان دشمنان عمده کشور، مردمان کشور و زنان کشور به شیوه خویش رزمیده است.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان باورمند است که نه پارلمان تریبون انقلابیون است و نه نهادهای جامعه مدنی و نه هم احزاب راجستر شده. ما از تریبون خویش و به طریقه خویش مبارزات مانرا پیش برده ایم و ادامه میدهم. باور ما این است که آگاهی توده ها با رفتن در بین توده ها به دست می آید، نه با رفتن در پارلمان رژیم دست نشانده و زیر بیرق احزاب راجستر شده و آنهم در یک کشور مستعمره.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان در مبارزه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده از تمامی اشکال مبارزاتی انقلابی ملی - دمکراتیک دوشا دوش سایر نیروهای ملی و انقلابی در خدمت به تدارک، برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی استفاده به عمل می آورد و برین اساس تلاش مینماید که در تمامی عرصه های مبارزاتی فعالانه و به طور خستگی ناپذیر سهم گرفته و مبارزاتش را پیش ببرد.

با روی کار آمدن امارت اسلامی طالبان، سیاست ارتجاعی و استبدادی شدیدی بالای کشور و مردمان کشور و خصوصاً زنان کشور اعمال گردید. خلق های کشور زخم ناسور ناشی از استبداد طالبی را با گوشت و پوست خود لمس کردند و خصوصاً زنان کشور رنج های عظیمی را متحمل شدند. تحقیر، توهین، سرکوب فرهنگی، قتل عام های پیهم و زن ستیزی آنها در ضد انسانی ترین شکلش در دستور روز قرار گرفت. یک دوره تاریک و سیاه خصوصاً برای زنان افغانستان به وجود آمد. در این دوره تمام آزادی های مدنی و اجتماعی خصوصاً آزادی زنان کاملاً سلب گردید. برای دختران حتی اجازه رفتن به مکتب اجازه داده نمی شد، زنان حق نداشتند بدون محرم از خانه بیرون شوند و زنان و دختران در ملاء عام شلاق زده می شدند.

در چنین شرایطی که در داخل افغانستان برای زنان امکان بلند نمودن صدا و اعتراض وجود نداشت و کوچکترین اعتراض به بی رحمانه ترین شکل سرکوب میشد، یک تعداد زنان با احساس و آزادیخواه با الهام گیری از اندیشه های انقلابی، در محیط پناهندگی و در مناطق پشت خط دیورند دسته هشت مارچ را تشکیل داده و مبارزات حق طلبانه خود را در زمان امارت اسلامی طالبان شروع نمودند. آنها محافل و گردهمایی هایی را در پشت خط دیورند ترتیب داده و صدای اعتراض شانرا بلند کردند. در آن زمان این محافل و گرد همآیی ها سرو صدای زیادی را ایجاد نمود. دسته هشت مارچ زنان افغانستان از جانب محافل ارتجاعی و بنیاد گرای پاکستان (سپاه صحابه، جمعیت مولوی فضل الرحمن، ضرب مومن و...) که از طالبان پشتیبانی و حمایت میکردند، مورد تهدید قرار گرفتند. اما دسته هشت مارچ زنان افغانستان علیه این تهدیدات ایستادگی نموده و مبارزاتش را ادامه داد. با ادامه این مبارزات تعدادی از زنان افغانستانی در بعضی نقاط اروپا با دسته هشت مارچ زنان افغانستان هموائی نشان داده و به آن دسته پیوستند.

استبداد ارتجاعی طالبان به یک معنی زمینه ساز تجاوز مستقیم امپریالیست های امریکائی و متحدین شان بر کشور گردید. امپریالیست های امریکائی و متحدین شان دانیاسوره های آمده از آن سوی مرزهای تاریخ را در ابتدا بخاطر تامین اهداف خویش تقویت کردند و به امارت رساندند، ولی بعد از آنکه حاکمیت آنها را به نفع خویش ندیدند، به بهانه مبارزه با تروریسم، احیای دیموکراسی، اعاده حقوق زنان و ... افغانستان را مورد تهاجم قرار دادند. یکبار دیگر کشور تحت اشغال مستقیم متجاوزین خارجی قرار گرفته و حالت مستعمراتی را به خود گرفت.

با اشغال کشور و شکل گیری رژیم دست نشانده توسط اشغالگران نه تنها افراد، محافل، گروه ها و احزاب ارتجاعی از به وجود آمدن وضع جدید استقبال نموده و هر کدام در تلاش شدند که در تشکیل رژیم دست نشانده توسط امپریالیست ها سهم بیشتر داشته باشند؛ بلکه تعدادی از افراد، گروه ها، محافل و سازمانهایی که ادعای های انقلابی داشتند و خود را باورمند به اندیشه های پیشرو عصر میدانستند نیز مواضع تسلیم طلبانه اتخاذ کردند. یک دسته راه تسلیمی کامل را در پیش گرفته و عملاً در تشکیل رژیم دست نشانده سهم فعال گرفتند و به جمع خابین ملی پیوستند. دسته دیگر که در تعیین تضادها و دشمنان عمده و غیر عمده مشکل داشتند، به مواضع تسلیم طلبانه افتاده و با فرستادن افراد شان به لوی جرگه ها و پارلمان

در افغانستان تحت اشغال

زنان تحت ستم مضاعف امپریالیستی و فیودالی قرار دارند

خانه ها توسط سرپرستان اداره می شود، جناح های شریک در رژیم سر تقسیم کرسی های دولتی جور نمی آیند. رژیم اشرف غنی در اولین روز تشکیل اش قرارداد ننگین امنیتی را با باداران امریکایی اش به امضا رسانیده و مستعمره بودن کشوری را رسمیت قانونی داد.

افغانستان امروزی فاقد استقلال و آزادی است در یک کشور در بند و فاقد استقلال تمامی نفوس منجمله زنان فاقد آزادی هستند زنان افغانستان از یک طرف از ستم مرد سالاری رنج می ببرند و از طرف دیگر تحت ستم امپریالیستی قرار دارد. در وضعیتی که کشور به صورت کامل مورد اشغال کشور امپریالیستی قرار داشته باشد وظیفه تمامی نفوس کشور منجمله زنان این است که برای آزادی و استقلال کشور به مبارزه متحدانه بپردازند. شعار های رژیم پوشالی در ظاهر خیلی به نفع زنان است ولی در باطن روز به روز به ستم مضاعف زنان اضافه تر می گردد بنا زنان باید در مبارزات و مقاومت استقلال طلبانه شرکت جویند و برای آزادی واقعی زنان که در استقلال کل کشور گره خورده است متحدانه عمل نمایید.

هشت مارچ روز جهانی را به همه زنان ستم دیده افغانستان تبریک می گویم. این روز را به آن زنانی که دستخوش نا برابری های جنسی می شوند، تبریک می گویم. این روز تاریخی، گواه مبارزات خونین زنان مبارز و انقلابی میباشند. دوستان هشت مارچ روز تحفه دهی برای زنان نیست بلکه روز تجدید عهد برای ادامه مبارزه زنان است. ما باید در این روز تمامی نابرابری های جنسی را افشا نموده و برای تامین حقوق برابری زنان مبارزه نماییم. هشت مارچ امسال در وضعیتی فرا میرسد که رژیم دست نشانده تحت یک تقلب انتخاباتی آشکار سرکار آمد. نتیجه اعلام شده انتخابات مورد قبول هر دو جناح برتر قرار نگرفت و بالاخره بعد از جارو جنجال و فشار های باداران امریکایی رژیم، حکومت ائتلافی تحت نام حکومت وحدت ملی تشکیل گردید. انتخاباتی که نه برنده آن معلوم شد و نه بازنده آن. انتخابات جوزا ۱۳۹۳ رسوا ترین، بی آبرو ترین و متقلب ترین انتخابات در تاریخ انتخابات جهان بوده است از برگزاری انتخابات در حدود یازده ماه می گذرد و از تشکیل کابینه رژیم بیشتر از سه ماه میگذرد ولی این رژیم تا حال نه وزیر دارد و بقیه وزارت

نکاتی در مورد ستم بر زنان و مبارزات زنان علیه آن

روز ۸ مارچ نمادی است از مبارزه علیه خشونت بر زن، علیه ستم جنسیتی و طبقاتی و علیه نا برابری حقوقی.

این روز را به اتحاد همه زنان برای پاره کردن زنجیر های خشونت علیه زنان بدل کنیم!

می رویم تا صدای مبارزات همزمانمان را رساتر به گوش جهانیان برسانیم!

به صفوف ما بپیوندید چرا که متحدانه می توانیم بسوی دنیای عاری از هر نوع ستم و خشونت گام برداریم. ما می توانیم بیرقدار رهایی بشریت از نظام ستم و استثمار حاکم بر جان باشیم.

هر قدر زنجیر خشونت جهانی تر شود، مبارزه و مقاومت زنان نیز ابعاد جهانی بیشتری به خود میگیرد. زنان از مبارزات یکدیگر الهام می گیرند و هر گونه پیشروی زنان در هر نقطه ای از جهان را از آن خود میدانند.

زنان جدا از پایگاه طبقاتی شان در یک چیز با هم مشترک هستند و آن ستمی است که به اشکال متفاوت در طبقات مختلف بر آنان اعمال میشود.

تجاوز، قتل زنان فعال، تجاوز گروهی به زنان، خشونت، تجارت سکس، قاچاق و فروش زنان، ازدواج اجباری، تبعیض جنسیتی در اشکال مختلف، به راه انداختن جنگ و دخالت در امور کشور ها توسط کشور های امپریالیستی تحت نام آزادی و رهایی زنان، تماماً جزء لاینفک نظام سرمایه داری و مردسالار حاکم بر جهان است.

روز جهانی زن دستاورد مبارزات بین المللی زنان علیه تجاوز، خشونت، سنگسار، قتل ناموسی و نابرابری های جنسیتی است. آنچه بدست آوردیم و آنچه باید همچنان برایش بجنگیم و این زنجیر ستم را پاره کنیم!

باشد تا محو کلیه ستمها و رهایی زنان این روز را جشن بگیریم تا دیگر در هیچ جای این دنیا حتی یک زن هم قربانی خشونت و ستم نباشد!

اشعار خوانده شده در محفل سوم:

ولی از بس که پر شور است صد بیم سفر دارد
 میان شستن و پختن درون یک آشپزخانه
 صدایش خسته امیدش امید صبح فرداهاست
 چرا دل را به او بسته کجا او لایق آن است

زنی را میشناسم من که شوق بال و پر دارد
 زنی را میشناسم من که در یک گوشه خانه
 سرود عشق میخواند نگاهش ساده و تنهاست
 زنی را میشناسم من که می گوید پشیمان است

در سال های قبل
 آن سالها که از پس دیوار این زمان
 چون قصه مینماید
 مادر همیشه می گفت:
 ای دخت ناز پرور و زیباتر از بهار
 هشدار نگذری تو به تنهایی
 زین کوچه باغها.
 مردان بلاستند
 هشدار کودکم، نشود دست شان دهی
 یک قطعه یی ز لبخند یا توته یی ز مهر
 مردان بلاستند
 و آن دخترک به ترس حذر کرد از بلا.
 اینک پس از گذار سه پنجسال و اندکی
 دختر رسیده میوه ای بر شاخ زندگی
 آن اشنا بلا
 در هر قدم برایش دو صد دام چیده است
 حرفت گنه، صدات حرام و شکسته به
 تندیس قامتت به قفایم گسسته به.
 باور نمودم آری که مردان بلاستند
 آتش زنان خرمن هستی یک زنند.

نمی خواهم بمیرم تا محبت را به انسانها بیاموزم

بمانم تا عدالت را بر افرازم بیفروزم

صفا را مهر را تا جاویدان بر تخت بنشانم

به پیش پای فردا های بهتر گل بر افشانم

چه فردایی چی دنیایی

جهان از عشق و گل

موسیقی و نور است

نمی خواهم بمیرم ای خدا ای آسمان ای شب

نمی خواهم.

چه غمگینانه

در غباری

در آفاق دور

کمر به ناتوانی خم کرده ای

پیچیده

در لای لای چادر سیاهت

روزگار سیاهت

زیبایی بی پایان توست

که مردان را حیرت زده می کند

و شاید خشمگین

چندان که کمر به انکار تو بسته اند

اما چه نزدیکی با قلب

ای پاره قلب من!

هنوز آن بی صدا و بی زبان و بی گپی خواهر

تو آن عنقای آزادی بیا پرواز کن خواهر

هنوز از نسل پیدا گشته بی دستی چپی خواهر

گلویت صاف کن آواز خود را آشکارا کن

جهان را شکل دیگر میکنم رسم
به جای قتل و کشتار و عداوت

و انسان را برابر میکنم رسم
نظامی بی ستمگر میکنم رسم

طلوع نام هجرانی تو ای زن
وفا و عهد و پیمان پیشه ات باد
تو یک مادر تو یک خواهر تو یک زن
شراب مهر و مدهوشی دو چشمت
دل و دیده زلال آب دریا
شگوفاند به دامانش من و تو
به سیمایت هزاران غم نهفته

فروغ نور ایمانی تو ای زن
شفا بخش دل و جان تو ای زن
سرود عشق و بارانی تو ای زن
به فصل گل نمایانی تو ای زن
به گل ها رنگ بارانی تو ای زن
ستمدیده و رنجیده و حیرانی تو ای زن
به پشت پرده پنهانی تو ای زن

ضربه خوردیم و شکستیم و نگفتیم چرا
ما دهان از گله بستیم و نگفتیم چرا
جایی بنشین و بمیر کی گفتند
تو نگفتی و شمایی نشنیدیم هنوز

ساده مثل کف دستیم نگفتیم چرا
چه چرا ها که شنیدیم و نگفتیم چرا
ما همین بوده و هستیم و نگفتیم چرا
ما نشستیم و نشستیم و نگفتیم چرا

برخیز! طنین صدایت را می شنوم که بر جهان لرزه می افکند:

به لب هایم مزن فقل خموشی
زیایم باز کن بند گران را
بیا ای مرد، ای موجود خودخواه
آگر عمری به زندانم کشیدی
منم آن مرغ، آن مرغی که دیربست
سرودم ناله شد در سینه تنگ
بلب هایم مزن فقل خموشی
به گوش مردم علام رسانم
بیا بگشای در تا پر گشایم
آگر بگذاریم پرواز کردن

که در دل قصه نا گفته دارم
کزین سودا دلی آشفته دارم
بیا بگشای در های فقس را
رها کن دیگر این یک نفس را
به سر اندیشه پرواز دارم
به حسرت ها سر آمد روزگارم
که می باید بگویم راز خود را
طنین آتشین آواز خود را
بسوی آسمان روشن شعر
گلی خواهم شدن در گلشن شعر

زنان!

همجنسان من و مادرم!

بر خیز!

هوا سال هاست

که ابری، تاریک و خشن است

و هیچ نورو روشنایی

در زمین ما نمی تابد!

سرزمین (سرنوشت) زنان!

چرا ابر نمی بارد؟

چرا آفتاب نمی تابد؟

چرا روشنایی نمی آید؟

چون ما سیاه سر و سیاه بختیم

من زنم

زنی آزادیخواه

زنی بیچاره و غمگین

که در گلویم

فقط صدای بغض و کینه جا دارد

صدای صدها زنی که زیر ظلم اند.

من زنم

ولی برده ام می دانند

در این زندگی زندانی ام

در این زندگی پر از تحقیر

در زندگی ام فقط برده ام

در زندگی ام ز آزادی خبری نیست

ز لبخند خبری نیست

این جا همش درد است و غم

همش گریان و ماتم

همش ظلم و ستم

ز آزادی زن کسی نمی داند

کسی نمی پرسد

چون زن را برده می دانند

سال ها ظلم را دیدم

زندگی را با تحقیر سپری کردم

ولی دیگر نخواهم

این همه تحقیر را

این همه ظلم و ستم را

می خواهم آزاد باشم

ز آزادی سخن گویم

ز لبخند خواهرانم

ز آزادی مادرانم

من زنم

زن آزادیخواه

ز آزادی سخن می گویم

قطعنامه مشترک محافل تجلیه روز جهانی زن در ۸ مارچ ۲۰۱۵ (۱۷ حوت ۱۳۹۳)

امسال روز جهانی زن را در حالی تجلیل می کنیم که رژیم دست نشانده و روی کار آمده طبق دستور اشغالگران امریکایی، با امضای قرارداد امنیتی با اشغالگران امپریالیست امریکایی، استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور را یکبار دیگر به آنها فروخته است. اگر تا دیروز نیروهای متجاوز و اشغالگر امپریالیست های امریکایی و متحدین شان، حضور تجاوزکارانه و اشغالگرانه شان را در افغانستان زیر نام فریبنده به اصطلاح سازمان ملل متحد توجیه می کردند، امروز این توجیه به اصطلاح قانونی، از طریق توسل به قراداد امنیتی امضا شده میان باداران اشغالگر و مزدوران دست نشانده شان، به عمل می آید.

واضح است که این توجیهات فریبنده نه دیروز توانست ماهیت اشغالگرانه امپریالیست های امریکایی و متحدین شان و ماهیت وطنفروشانه رژیم دست نشانده آنها را پوشیده نگه دارد و نه امروز و فردا می تواند. رژیم تحت

سردمداری اشرف غنی احمدزی در واقع ادامه همان رژیم تحت سردمداری حامد کرزی است و همانقدر دست نشانده است که در آن زمان بود. در واقع آنچه باعث شکلگیری مفتضحانه حکومت مشترک اشرف غنی احمدزی و عبدالله عبدالله گردید، دو دور انتخابات ریاست جمهوری رژیم نبود، بلکه مداخله آشکار وزیر خارجه امریکا بود و همین مداخله حتی نامگذاری فعلی رژیم پوشالی (حکومت وحدت ملی) را نیز رقم زد.

اما در حال حاضر این رژیم چندین برابر بیشتر نسبت به زمان حامد کرزی یک رژیم ناکام و ناکارآمد محسوب می گردد. انتخابات ریاست جمهوری رژیم که در ۱۶ حمل سال ۱۳۹۳ یعنی ۱۱ ماه قبل شروع گردید، ناکام ترین انتخابات در تاریخ انتخابات کل کشورهای جهان به شمار می آید. اینک با گذشت ۱۱ ماه از زمان شروع این انتخابات، هنوز رژیم نتوانسته است کابینه خود را شکل دهد و به این ترتیب تقریباً در طول سال جاری خورشیدی حتی در سطح کابینه و در مرکز، حالت فوق العاده داغان و ابتری داشته است، چه رسد به سطح ولایات و ولسوالی ها.

از قرار معلوم رژیم دست نشانده تمام هم و غم خود را روی شروع مذاکرات با طالبان بخاطر به اصطلاح برقراری صلح در افغانستان متمرکز کرده است. با موجودیت قرارداد امنیتی میان اشغالگران امریکایی و رژیم دست نشانده، که گویا زمینه قانونی حضور دراز مدت قوای اشغالگر در خاک افغانستان را در چندین پایگاه استراتژیک نظامی فراهم کرده است، این صلح خواهی در واقع فقط می تواند یک صلح خواهی فریبنده باشد و نه چیز دیگری. محور این صلح خواهی فریبنده، کرنش مزدورمنشانه آشکار رژیم دست نشانده در مقابل دولت مداخله گر پاکستان است و بر پایه این دید پیش برده می شود که دولت پاکستان می تواند طالبان را وادار به شروع مذاکرات با رژیم پوشالی نماید. در صورتی که طالبان به بخشی از این پروسه صلح خواهی فریبنده تبدیل گردند، واضحاً نشان خواهند داد که آنها بنا به دستور دولت پاکستان به این پروسه پیوسته اند و اراده مستقلی از خود ندارند. بهر حال، پیدایش چنین وضعیتی در واقع آغاز آشکار تسلیم طلبی طالبان در قبال اشغالگران امریکایی و رژیم پوشالی خواهد بود.

دسته ۸ مارچ زنان افغانستان که مبارزات حق طلبانه خود را در زمان امارت اسلامی طالبان و در محیط پناهندگی در مناطق پشت خط دیورند شروع کرد، قبل از همه از سوی بنیادگرایان افراطی پاکستانی پشتیبان امارت اسلامی طالبان مورد تهدید قرار گرفت. ما علیه این تهدیدات ایستادگی کردیم و به مبارزات مان ادامه دادیم.

دسته ۸ مارچ زنان افغانستان، پس از تجاوز امپریالیست های امریکایی و متحدین شان به افغانستان، اشغال کشور توسط آنها و شکلدهی رژیم دست نشانده توسط اشغالگران، اعلام نمود که دشمن عمده کنونی کشور و مردمان کشور و در نتیجه دشمن عمده زنان افغانستان، اشغالگران و رژیم دست نشانده است. ما از آن زمان تا حال، نه تنها عمدتاً در داخل افغانستان بلکه طبق توان در خارج از کشور نیز علیه اشغالگران و رژیم پوشالی به عنوان دشمن عمده کشور، مردمان کشور و زنان کشور رزمیده ایم و کماکان می رزمیم.

ولی اگر طالبان بنا به دستور دولت پاکستان به پروسه مذاکرات با رژیم دست نشانده بپیوندند، قویاً احتمال می رود که دیر یا زود از مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پوشالی دست بکشند و در نهایت به بخشی از رژیم دست نشانده تبدیل گردند. در چنین صورتی مسلم است که طالبان به بخشی از دشمن عمده کشور و مردمان کشور، منجمله زنان کشور، مبدل خواهند شد. اما این بار نباید ممکن گردد که زنان افغانستان مثل دوره امارت اسلامی طالبان مورد سرکوبگری های قرون وسطایی قرار بگیرند.

ما اعلام می کنیم که اگر طالبان با پذیرش قرار داد امنیتی رژیم پوشالی با اشغالگران و در نتیجه با دست کشیدن از مقاومت علیه اشغالگران، به بخشی از این رژیم تبدیل گردند و رژیم بخواهد یکبار دیگر دسته های قرون وسطایی سرکوبگر زنان را فعال سازد، باید لشکری از ملالی ها و ناهید ها را در مقابل خود ببیند.

”دسته ۸ مارچ زنان افغانستان“



برای تماس با نشریه :

Email:

nabardezan@gmail.com

آدرس وبلاگ:

<http://dastazanaan.blogspot.ca>

نشریه نبرد زن از شماست ، امید در جهت
پربار نمودن هر چه بیشتر نشریه با ما مکاتبه
نمایید. نظرات، پیشنهادات و انتقادات
خود را به ایمیل آدرس مکاتباتی فوق ارسال
نمایید.

صفحه مقالات مندرج این شماره شامل سه محفل است:

محفل سوم:

- ۳۸ افتتاحیه
- ۳۹ ضرورت پیشبرد مبارزات پیگیر و همه جانبه
- ۴۰ تاریخچه مبارزاتی دسته هشت مارچ زنان افغانستان
- ۴۱ در افغانستان تحت اشغال زنان تحت ستم مضاعف ...
- ۴۱ نکاتی در مورد ستم بر زنان و مبارزات زنان علیه آن
- ۴۲ اشعار خوانده شده در محفل سوم
- ۴۶ قطعنامه مشترک محافل تجلیلیه روز جهانی زن

